



هجوم ملخ‌ها در بادغیس؛

کشاورزان توان مبارزه با آفت‌های طبیعی را ندارند



همزمان با زبانی که کشاورزان از بابت خشک‌سالی متحمل می‌شوند، هجوم ملخ‌ها آفت دیگری است که دهقانان بادغیس را نگران کرده است. بادغیس از ولایت‌هایی است که زنده‌گی باشندگان آن با زراعت و مالدارگی گره خورده است. براساس اظهارات کشاورزان، کشتزارهای دست‌کم چهار ولسوالی این ولایت از جمله جوند، تکاب‌عالم، دره بوم و بالامرغاب از هجوم ملخ‌ها زیان دیده است. به گفته زمین‌داران، در هر کشتزاری که ملخ‌های مراکشی هجوم بیاورند، هیچ نباتی حاصل نخواهد داد؛ زیرا این حشره‌ها...

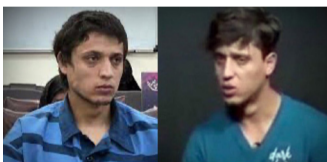
۳ صفحه

نگرانی سازمان جهانی صحت؛

ممکن است تب‌دنگی در فصل بارانی افزایش یابد



ایران دو متهم افغان حمله بر شاه‌چراغ را هفته آینده اعدام می‌کند



همسایه ایران هستند، در دادگاه‌های انقلاب شیراز و تهران برگزار شده است. گفتنی است که سال گذشته یک مهاجم مسلح با یک کلاشینکوف وارد زیارت شاه‌چراغ در شهر شیراز ایران شد و بیش از ۳۰ تن را هدف گلوله قرار داد. داعش مسوولیت این حمله را بر دوش گرفت و مقام‌های ایرانی وعده انتقام دادند. فرد مهاجم پس از تیراندازی از سوی نیروهای امنیتی ایران زخمی شد و سپس در شفاخانه جان باخت.

در دست رسیده‌گی است. به گفته موسوی، جلسه دادگاه رسیده‌گی به اتهام‌های متهمان این پرونده که تمام‌شان تبعه «یک کشور

صبح، کابل: بر بنیاد گزارش‌ها، سید کاظم موسوی، رییس کل دادگستری ولایت فارس از تایید حکم اعدام دو متهم افغان پرونده واقعه زیارت شاه‌چراغ خبر داده است.

خبرگزاری هرانا روز دوشنبه، ۱ جوزا، گزارش داد که حکم اعدام این افراد تایید شده و به‌زودی در ملأ عام اجرا خواهد شد.

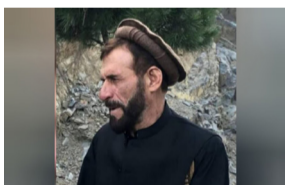
در همین حال، منابع از یکی از نهادهای حقوق بشری ایران به روزنامه ۸صبح می‌گویند که دو شهروند افغانستان که به اعدام در ملأ عام محکوم شده‌اند حکم‌شان براساس اعترافات اجباری است. این دو شهروند افغانستان محمدرامز رشیدی و سیدنعیم

هاشم قتالی نام دارند.

از جانبی، رییس کل دادگستری ولایت فارس در این مورد گفت: «با توجه به این‌که متهم اصلی این حادثه در شب وقوع حادثه کشته شد، از پنج متهم دیگر پرونده، حکم اعدام دو متهم تایید و به‌زودی در خیابان ۹ دی اجرا خواهد شد.»

او افزود: «حادثه حرم شاه‌چراغ دو بُعد دارد که یک قسمت مربوط به قصور و کوتاهی در بخش انتظامات است که در دادرسی نظامی فارس این بخش از پرونده

طالبان یک جنرال حکومت پیشین را در کابل بازداشت کردند



۸صبح، کابل: منابع محلی از بازداشت حسین‌خان سنگین، یکی از جنرال‌بازنشسته حکومت پیشین از سوی طالبان در شهر کابل خبر می‌دهند.

منابع در صحبت با روزنامه ۸صبح، می‌گویند که طالبان حسین‌خان را روز یک‌شنبه، ۳۱ ثور، از منطقه ۳۱۵ خیرخانه شهر کابل بازداشت و به جای نامعلوم انتقال داده‌اند.

جنرال حسین‌خان سنگین فرمانده لوی محافظت عامه ریاست امنیت ملی حکومت پیشین بود.

این نظامی پیشین باشنده اصلی منطقه فراج ولایت پنجشیر است و در کابل زنده‌گی می‌کرد. هرچند تا کنون انگیزه اصلی بازداشت حسین‌خان معلوم نیست؛ اما منابع می‌گویند که او با هیچ گروهی ارتباط نداشت. طالبان تا کنون در این مورد ابراز نظر نکردند این‌درحالی است طالبان از زمان حاکمیت‌شان به این‌سو، ده‌ها نظامی حکومت پیشین یا بسته‌گان آنان را در بخش‌های مختلف کشور بازداشت، شکنجه و در مواردی تیرباران کرده‌اند. در آخرین مورد، طالبان دو برادرزاده نوجوان انجنیر علی، رییس استخبارات نظامی حکومت پیشین در پنجشیر را بازداشت کرده‌اند.

وزیر خارجه ترکیه:

شمار زیادی از افغان‌ها را به کشورشان بازگردانیم

۸صبح، کابل: مولود چاووش اوغلو، وزیر امور خارجه ترکیه گفته است که شمار زیادی از شهروندان افغانستان را به کشورشان بازگردانده‌اند و این روند در دوره طالبان نیز ادامه دارد.

خبرگزاری آناتولی روز دوشنبه، ۱ جوزا، به نقل از آقای اوغلو نوشته است که این پناهجویان افغان توسط هواپیما به کشور بازگردانده شده‌اند.

او افزوده است: «به‌دلیل جنگ داخلی از سوریه مهاجران به ترکیه آمدند، همچنان از افغانستان نیز به همین شکل از طریق ایران آمده‌اند.» وی تصریح کرده است که ترکیه به نیروی کار در بخش کشاورزی، صنعت و بازار نیاز دارد و نمی‌تواند همه پناهجویان را اخراج کند. وزیر خارجه ترکیه با اشاره به احداث دیوار در مرز ایران گفت: «شماری از مهاجران این‌جا عبور می‌کنند، اما تصاویر منتشر شده در رسانه‌های اجتماعی با هدف تحریک افکار عمومی به

زنان، قربانیان اصلی جنگ؛ روایت دختری که از ترس طالبان به شوهر داده شد



ممانعت از تعلیم دختران دیر دوام نخواهد کرد

ملاهای طالبی و عقب‌مانده در انزوای اجتماعی و بدون رابطه با زنان تربیت می‌شوند، از این رو ذهنیت بسیار جنسیت‌زده و غیراجتماعی در برابر زنان دارند و تصور می‌کنند...





تنش‌ها و بحث‌های غیرضروری در وطن مجازی

آنچه در ۲۰ سال دوره غیرطالبان در افغانستان گذشت، جامعه را برای همیشه متحول ساخت. این تحول اکنون در خیلی از موارد منحرف شده است، موانع بسیار در برابرش وجود دارد و تلاش می‌شود که آثار آن از جامعه زوده شود؛ اما برای همه از جمله گروه حاکم روشن است که برگرداندن کشور به نقطه صفری ۲۰۰۱ یا مسیری که ادامه آن دوره تاریخ باشد، مقدور نیست. محیط و زیربنای زنده‌گی در آن دو دهه، تغییر کرد و عوامل و ابزار تازه‌ای وارد زنده‌گی مردم شد که برگشت را ناممکن ساخت. یکی از عوامل تحول، رسانه بود. اینترنت و رسانه‌های اجتماعی اکنون به ابزار اصلی سیاست، تجارت، تبلیغ، تماس و پیکار تمام طرف‌ها بدل شده است و حالا بیش از هر زمان دیگر رویارویی سیاسی میان طیف‌ها و گروه‌های مختلف در رسانه و دنیای مجازی رخ می‌دهد. طالبان نیز خلاف دوره نخست، اکنون به این وضعیت تسلیم شده‌اند و ضمن سرکوب صداهای مخالف و تلاش برای کنترل کامل بر بیان ساکنان کشور، عرصه جدید را پذیرفته و ابزارها را تکفیر نمی‌کنند، بلکه در عوض برای تسخیر این میدان و ابزارهای جدید کمر بسته‌اند.

رهبران طالب در ماه‌های اول برگشت‌شان به قدرت، به رغم آشنایی نسبی با تحول رسانه‌ای که در دو دهه اتفاق افتاده بود، از دیدن آثار آن تحول در کشور شوکه شدند. آنان بارها از نقش رسانه‌ها شکایت کردند و به هم‌دیگر گوش‌زد نمودند که رسانه‌ها و آثاری که علیه طالبان با قلم و سخن می‌زنند، «خطرناک‌تر» از کسانی‌اند که با سلاح می‌جنگند. دستور سرکوب رسانه‌ها و بستن صدای مخالف به تکرار صادر شد؛ اما سرکوب کامل صداهای مخالف ممکن نبود. در تلویزیون‌های داخل کشور با وجود سانسور شدید، صداهای اعتراض و سخن‌های غیرطالبانی کم‌رنگ اما زنده باقی ماند. هنوز در رسانه‌های داخل افغانستان نشانه‌هایی از جریان غیرطالبانی را می‌توانیم ببینیم. دسترسی مردم به اینترنت، مانع تحمیل تاریکی مطلق شده و مردم می‌توانند خلاف میل حاکمان از چندوچون زنده‌گی هم‌دیگر و اتفاقات جاری اطلاع یابند. طالبان نیز مجبور شده‌اند سخن بگویند، در ویدیوها ظاهر شوند و در نتیجه مردم از عقب‌مانده‌گی‌ها و ضعف‌های آن گروه بیشتر از گذشته باخبر می‌شوند.

این وضعیت فرصتی را برای هم‌وطنانی که خارج از کشور به سر می‌برند، نیز مهیا ساخته تا نقش زنده و فعال در سیاست و اجتماع وطنی بازی کنند. در واقع وطن مجازی شکل گرفته است که در آن گاه خارج‌نشینان می‌توانند حضور پررنگ‌تر از داخلی‌ها داشته باشند. اما، سوال این است که آیا از این فرصت به‌درستی استفاده می‌شود؟ نسبت به روند عمومی و تأثیرگذاری درازمدت این تحول، اصولاً باید امیدوار بود. این تبعید و سانسور در جهان امروز دیگر مثل گذشته ممکن نیست و آدم‌ها زمانی که وطن فیزیکی خود را ترک می‌گویند و در کشورشان نیروی سرکوب‌گر و ضد آزادی حاکم می‌شود، در وطن مجازی می‌توانند به تماس، کار و پیکار ادامه دهند، اتفاق بی‌پیشینه است و عواقب آن نیز تازه و غافل‌گیرکننده خواهد بود. اما، نشانه‌های ویرانی و انحراف‌های فرصت‌سوز در دنیای مجازی نیز هر روز بیشتر از گذشته آشکار می‌شود. مدیریت حضور و کار در جهان مجازی مثل زنده‌گی غیرمجازی مهم است. بیشتر مواقع بحث‌های نه‌چندان مهم، میلیون‌ها هم‌وطن ما را برای روزهای طولانی مشغول می‌کند، اولویت‌ها فراموش می‌گردد و موضوعات انتزاعی و اختلاف‌برانگیز چنان مردم را سرگرم می‌کند که نان، آب، مکتب و آزادی فراموش می‌شود. تلاش برای ایجاد همبستگی علیه اشغال وطن از سوی نیروی عقب‌مانده‌ای که مشغول به قهقرا کشیدن کشور است، جایش را به تنش‌های مخربی می‌دهد که جز تفرقه و ضیاع نیرو نتیجه‌ای ندارد. هم‌وطنانی که به نان و آب کافی دسترسی دارند و با رنج‌های واقعی اکثریت باشندگان کشور رابطه عینی برقرار نمی‌توانند، بیشتر از دیگران ممکن است دچار چنین انحراف‌هایی شوند. خوب است که برای سمت‌دهی بحث‌ها و گفت‌وگوها به مسیرهای سازنده و مرتبط به اولویت‌های اصلی نسل امروز، به هم‌دیگر کمک کنیم. رسانه‌ها با دقت در طرح موضوعات و شخصیت‌های تأثیرگذار با سنجیده سخن گفتن در مصاحبه‌ها و سخنرانی‌ها می‌توانند نقش بسیار تعیین‌کننده در جلوگیری از انحراف گفت‌وگوها بازی کنند.

خراسانی دو برادرزاده رییس پیشین امنیت ملی پنجشیر را بازداشت کرد



۸صبح، کابل: منابع در شهر کابل می‌گویند که عبدالحمید خراسانی، یکی از فرماندهان طالبان دو تن از برادرزاده‌های انجنیرعلی، رییس امنیت ملی حکومت پیشین در پنجشیر را بازداشت کرده است.

منابع روز دوشنبه، ۱ جوزا، در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گویند که خراسانی با ۲۰ جنگ‌جویش شش روز پیش به خانه برادر انجنیرعلی در ناحیه یازدهم شهر کابل یورش بردند و دو برادرزاده ۱۶ و ۱۷ ساله او را لت‌وکوب کرده و با خود برده‌اند. این دو نوجوان محمد موسی و ادریس نام دارند و براساس ادعای منابع، با شوک برقی، شدیداً شکنجه و تحقیر شده‌اند.

منابع تصریح می‌کنند: «عقد‌های شخصی عبدالحمید، باج‌گیری از شخص انجنیرعلی و پنجشیری بودن این نوجوانان زیر سن، از عوامل

حمله به خانه برادر انجنیرعلی و دستگیری این پسران نوجوان و کوچک می‌باشد.» حمید خراسانی تا کنون چندین تن از اعضای خانواده این نظامی پیشین را بازداشت کرده است. طبق ادعای منابع، طالبان در بدل رهایی این افراد از خانواده‌های‌شان پول و سلاح خواسته‌اند. منابع به نقل از خراسانی تأکید می‌کنند که این نوجوانان در حال حاضر به شبکه حقانی تحویل داده شدند و او نمی‌تواند آنان را از چنگ این شبکه آزاد کند.

در همین حال، عبدالحمید خراسانی نیز بازداشت این دو نوجوان را تأیید می‌کند، اما می‌گوید که آنان به اتهام حمایت مالی جبهه مقاومت ملی از سوی استخبارات این گروه بازداشت شده‌اند. برپایه گفته‌های منابع، دو تن دیگر از اعضای خانواده انجنیرعلی نیز از چندی به این‌سو بازداشت و به‌جای نامعلوم انتقال داده شده‌اند.

پیش از این نیز عبدالحمید خراسانی به باج‌گیری و بازداشت‌های خودسرانه متهم شده بود.

در آخرین مورد به تاریخ ۱۹ ثور سال روان، خراسانی که به‌خاطر بازداشت چند تن از ساکنان ولسوالی جبل‌السراج ولایت پروان رفته بود، با واکنش نیروهای وزارت دفاع طالبان مواجه شد و در پی آن چهار تن از محافظان او بازداشت شدند.

اوچا: بقایای مواد منفجرناشده در سال ۲۰۲۲ صدها کودک افغان را قربانی کرده است



شده‌اند.

اوچا روز دوشنبه، ۱ جوزا، با نشر توییتی نوشت که به‌گونه میانگین، این آمار نشان‌دهنده کشته و زخمی شدن دو کودک در روز است. این در حالی است که روز گذشته نیز این نهاد گفته بود که افراد دارای معلولیت در افغانستان به‌طور نامتناسبی تحت تأثیر بحران انسانی کنونی قرار دارند.

به گفته اوچا، برای حمایت از افراد دارای معلولیت، بودجه فوری نیاز است. به‌دلیل جنگ‌های طولانی، افغانستان یکی از کشورهای دارای بیشترین افراد دارای معلولیت در سطح جهان است.

۸صبح، کابل: دفتر هماهنگ‌کننده کمک‌های بشردوستانه سازمان ملل متحد (اوچا) می‌گوید که بیش از ۷۰۰ کودک در اثر بقایای مواد منفجر نشده در سال ۲۰۲۲ در افغانستان کشته و زخمی

یک پسر ۱۵ ساله در بدخشان خود را حلق آویز کرد

۸صبح، بدخشان: منابع محلی در ولایت بدخشان می‌گویند که یک پسر ۱۵ ساله در این ولایت خود را حلق آویز کرده است. منابع می‌گویند که این پسر صبح روز، دوشنبه، ۱ جوزا، خودش را در داخل یک خانه در ناحیه پنجم شهر فیض‌آباد، مرکز ولایت بدخشان حلق آویز کرده و به زنده‌گی‌اش پایان داده است.

یک نظامی پیشین در کابل کشته شد

۸صبح، کابل: منابع می‌گویند که یک نظامی پیشین با ضرب گلوله در شهر کابل کشته شده است.

یک منبع معتبر می‌گوید که این نظامی پیشین چاشت روز دوشنبه، ۱ جوزا، در ساحه ارزان قیمت، از مربوطات حوزه ۱۲ شهر کابل، از سوی دو فرد مسلح مورد گلوله‌باری قرار گرفته و جان باخته است.

منبع افزوده است که این فرد پارمحمد نام داشت و در حکومت پیشین، در صف نیروهای پولیس

متقی به ایران: موضوع حقایق را سیاسی نکنید

۸صبح، کابل: امیرخان متقی، سرپرست وزارت خارجه طالبان با اشاره به تنش‌های اخیر میان این گروه و ایران بر سر موضوع حقایق، گفته که تهران نباید موضع آب را سیاسی کند و این موضوع از «راه تفاهم و گفت‌وگو» قابل حل است.

متقی روز دوشنبه، ۱ جوزا، در مراسم یادبود از سالروز جان باختن اخترمحمد منصور، رهبر پیشین طالبان، با اشاره به موضوع حقایق ایران گفته که این گروه به موافقت‌نامه سال ۱۳۵۱ میان دو کشور متعهد است.

او افزود: «خشکسالی‌های اخیر نباید نادیده گرفته شود و از مقام‌های ایرانی انتظار داریم که توقعات شان را با مواد موافقت‌نامه برابر سازند. موضع آب را نباید سیاسی بسازند و این موضوع از راه تفاهم و گفت‌وگو قابل حل است.»

متقی تصریح کرد: «درد مردم سیستان و بلوچستان درد ما است و دل‌مان برای آنان می‌سوزد؛ همان‌گونه که برای مردم افغانستان می‌سوزد، اما ما نیز از کمبود آب رنج می‌بریم.» تنش بر سر حقایق ایران از رود هیرمند در روزهای اخیر به موضوع داغ میان طالبان و تهران مبدل شده است.

طالبان پیش از این ضمن آن که تعهدشان به تأمین حقایق هیرمند را ابراز کرده‌اند، نبود آب کافی در بند کجکی را علت جاری نشدن آب به‌سوی ایران خوانده‌اند.



افراد ناشناس ده‌ها درخت را در جنگل‌های ننگرهار قطع کردند

۸صبح، ننگرهار: باشندگان ولسوالی نازیان ولایت ننگرهار می‌گویند که از چند روز به این‌سو، افراد ناشناس درختان جنگل‌های این ولسوالی را قطع می‌کنند.

صدام، باشندگان ولسوالی نازیان روز دوشنبه، ۱ جوزا، می‌گوید که عده‌ای در چند روز گذشته اقدام به قطع درختان جنگل‌های این ولسوالی از طرف شب کرده‌اند.

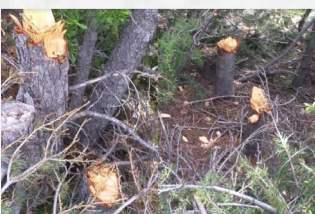
به گفته او، تا کنون حدود ۱۰۰ اصله درخت قطع شده است.

وی می‌افزاید که تا حال از این کار جلوگیری نشده است و مقام‌های طالبان باید اقدامات عاجل را برای نجات جنگل‌ها انجام دهند.

از سوی دیگر، مولوی شیرین آغا بدر، فرمانده طالبان در واحد حفاظت از جنگل‌های ننگرهار می‌گوید که چندین تن را به اتهام قطع درختان جنگل بازداشت کرده‌اند.

وی تصریح کرده که در تلاش هستند تا تمامی متهمان را بازداشت کنند.

شماری از منابع در گفت‌وگو با روزنامه ۸صبح ادعا می‌کنند که جنگ‌جویان محلی طالبان در قطع درختان جنگل دست دارند و به جنگل‌بانان اجازه می‌دهند تا در ازای دریافت پول، درختان را قطع کنند.



ممکن است تب دنگی در فصل بارانی افزایش یابد



امین کاوه

افزایش بیماری‌های همه‌گیر و عدم مقابله بالفعل، از نگرانی‌های عمده شهروندان کشور است.

به باور مردم، نظام صحتی در افغانستان متناسب با نیازمندی‌ها و اقتضای عصر کنونی نیست.

این شهروندان، نظام صحتی با مدیریت طالبان را بحرانی توصیف می‌کنند. به گفته آنان، طالبان برنامه‌ای برای بهبود وضعیت خدمات صحتی، جلوگیری از شیوع امراض ساری و دانشی برای اجرای طرح‌های تخصصی و مدیریتی در این عرصه ندارند. در حال حاضر هزینه اکثریت مرکزهای صحتی از سوی نهادهای بین‌المللی پرداخت می‌شود. سازمان جهانی صحت یکی از سازمان‌های مهم بین‌المللی است که از عرضه خدمات صحتی در افغانستان، حمایت می‌کند. این نهاد گفته که ممکن است تب دنگی در مناطق شرقی کشور افزایش یابد. این نهاد از شهروندان کشور خواسته است تا از خود و خانواده‌هایشان در برابر نیش پشه محافظت کنند. این بیماری از طریق پشه‌ای به نام آیدس به انسان منتقل می‌شود. این پشه در مناطق گرمسیر زنده‌گی می‌کند. علائم تب دنگی سردرد، کمردرد و در برخی موارد خراش و جوش بدن است. دفتر نماینده‌گی سازمان جهانی صحت در افغانستان روز یکشنبه، ۳۱ ثور، با نشر توییتی گفته است که برای مقابله با تب دنگی آماده‌گی می‌گیرد. به گفته این نهاد، ممکن است در فصل بارانی، موارد تب استخوان‌شکن (دنگی) در کشور افزایش یابد. سازمان جهانی صحت افزوده که برای مدیریت و مقابله با این بیماری، بیش از ۳۰۰ تن از کارکنان صحتی را آموزش داده است.

این نهاد با نشر سلسله‌توییتی نگاشته است: «با شروع فصل بارانی، موارد تب دنگی ممکن است افزایش یابد. ما کارکنان صحتی خود را برای مدیریت موارد دنگی آماده می‌کنیم. سازمان جهانی صحت اخیراً ۳۰۰ داکتر، پرستار و تکنسین لابراتوار را از ۱۸ شفاخانه و ۲۵۰ مرکز صحتی از کتر، لغمان، نورستان و ننگرهار آموزش داده است.»

سازمان جهانی صحت افزوده است که برنامه آموزشی سه‌روزه مدیریت بیماری تب استخوان‌شکن، در ۱۲ گروه انجام شده و در مجموع ۶۵ کارمند صحتی زن نیز در آن اشتراک داشته‌اند. در توییت این نهاد آمده است: «همان‌طور که ما امکانات بهداشتی را آماده می‌کنیم، به عموم مردم یادآوری می‌کنیم که از خود و خانواده خود در برابر نیش پشه محافظت کنند و از دنگی جلوگیری کنند.»

در همین حال شماری از شهروندان کشور از شیوع این بیماری ابراز نگرانی می‌کنند. آنان می‌گویند که طالبان برنامه‌ای برای مدیریت بحران صحتی در کشور ندارند. براساس ادعای این شهروندان، طالبان در حالی که خود و خانواده‌هایشان را در بیرون از کشور تداوی می‌کنند، اما در مواقع شیوع بیماری‌ها از مردم می‌خواهند که دعا کنند. به‌تازه‌گی مولوی عبدالکبیر، سرپرست ریاست‌الوزرای طالبان، از متقاضیان حج در کشور خواسته است که برای

تحکیم قدرت و ایجاد روابط خارجی این گروه با جهان دعا کنند. شهروندان این اقدام طالبان در عرصه حکومت‌داری را بی‌برنامه‌گی و بی‌تفاوتی در مقابل مطالبات شهروندی و عرضه خدمات عنوان می‌کنند.

نگرانی شهروندان از افزایش بیماری تب دنگی
گلاجان، یکی از باشندگان جلال‌آباد، در صحبت با روزنامه ۸ صبح از شیوع بیماری تب دنگی در این ولایت ابراز نگرانی می‌کند. او می‌گوید: «هوا گرم است. پشه‌ها زیاد است. مردم امکانات ندارند و به توصیه‌های صحتی کمتر توجه می‌کنند.» گلاجان تصریح می‌کند: «سال گذشته واقعات زیاد در جلال‌آباد ثبت شد که منجر به مرگ هم شد، اما کسی آمار و ارقام درست ارایه نمی‌کند. هر کس مرد، می‌بردن دفنش می‌کنند، خلاص.»

این باشندگان ننگرهار آموزش کارکنان صحتی از طریق سازمان جهانی صحت را مهم می‌داند و از این نهاد می‌خواهد که برای آگاهی‌دهی عمومی نیز برنامه‌هایی را روی دست بگیرد تا مردم از چگونه‌گی شیوع و خطرناک بودن این مرض اطلاع حاصل کنند.

سازمان جهانی صحت افزوده

است که برنامه آموزشی

سه‌روزه مدیریت بیماری

تب استخوان‌شکن، در ۱۲

گروه انجام شده و در مجموع

۶۵ کارمند صحتی زن نیز در

آن اشتراک داشته‌اند. در

توییت این نهاد آمده است:

«همان‌طور که ما امکانات

بهداشتی را آماده می‌کنیم، به

عموم مردم یادآوری می‌کنیم

که از خود و خانواده خود در

برابر نیش پشه محافظت کنند

و از دنگی جلوگیری کنند.»

عبدالقیوم، باشندگان ولایت لغمان، در صحبت با روزنامه ۸ صبح از کمبود امکانات صحتی در این ولایت شکایت دارد. او با ابراز نگرانی از احتمال افزایش بیماری تب دنگی می‌گوید که مناطق دور دست این ولایت به هیچ نوع امکانات صحتی دسترسی ندارند. او می‌افزاید: «آگاهی لازم در مورد مرض نیست. مردم توجه نمی‌کنند. پشه‌ها هم زیاد است. امکانات نیست. دوا و داکتر هم وجود ندارد. صرف کسی که مریض شد، به مرکز ولایت می‌رود و آن‌جا بیروبار است، کسی درست معاینه نمی‌کند.» شمس‌الدین عزیززی، باشندگان دیگر ننگرهار، نیز نسبت به عدم تدابیر پیش‌گیرانه ابراز نگرانی می‌کند. او می‌گوید که نهادهای صحتی باید برای محو این پشه پیش از پیش اقدام کنند. به گفته او، دواپاشی و ارسال دوا ضد پشه به مناطق متضرر، به پیش‌گیری کمک می‌کند. به جای تداوی،

پیش‌گیری خوب است.

پزشکان در مورد این بیماری چه می‌گویند؟

داکتر قیس نسیمی، متخصص امراض ویروسی، در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گوید که نشانه‌های این بیماری به دو شکل خفیف و شدید بروز می‌کند. او می‌گوید: «در صورتی که تب دنگی به موقع تشخیص گردد و منظم تداوی شود، مرگ‌ومیر ناشی از آن کمتر از ۱ درصد می‌باشد. در شکل شدید آن در صورت تداوی دو تا پنج درصد و در صورت عدم تداوی ۲۰ درصد مرگ‌ومیر دارد.»

آقای نسیمی نشانه‌های تب دنگی را تب ناگهانی و شدید، درد پشت چشم، سردردی‌های شدید، خسته‌گی و درد شدید مفاصل و عضله می‌داند. او تأکید می‌ورزد که این بیماری با حالت تهوع و استفراغ همراه است و خون‌ریزی‌های زیر پوستی ناشی از آن از دو تا پنج روز پس از شروع تب، ظاهر می‌شود.

این داکتر می‌گوید: «خون‌ریزی خفیف (خون‌ریزی بینی و دهن) از نشانه‌های دیگر تب دنگی می‌باشد.» به گفته او، فرد مبتلا به تب خون‌ریزی‌دهنده دانگ ممکن است «خون‌ریزی‌های معدی معایی، موجودیت خون در ادرار، شکم‌درد شدید، حملات اختلاجی در اطفال، شاک و برخی علائم دیگر را» داشته باشد.

آقای نسیمی علاوه می‌کند که افراد با سیستم ایمنی ضعیف و افرادی که برای بار دوم مبتلا می‌شوند، بیشتر در معرض خطر ابتلا به تب خون‌ریزی‌دهنده قرار دارند. او می‌افزاید: «زنانی که در دوران بارداری به آن مبتلا می‌شوند، ممکن است ویروس را در هنگام زایمان به نوزاد منتقل کنند. علاوه بر آن، نوزادان زنانی که در دوران بارداری به تب دنگی مبتلا می‌شوند، بیشتر در معرض خطر زایمان زودرس، وزن کم هنگام تولد یا برخی ناراحتی‌های جنینی دیگر قرار دارند.»

پیش از این نهادهای صحتی گفته‌اند که این بیماری واکسین ندارد؛ اما داکتر قیس نسیمی می‌گوید: «در حال حاضر تنها یک واکسین برای پیش‌گیری از تب دنگی از سال ۲۰۱۵ به بعد مورد تأیید قرار گرفته است. واکسین مذکور سه مرتبه در یک سال اخذ می‌گردد.»

تب دنگی (تب استخوان‌شکن) چیست؟

سازمان جهانی صحت می‌گوید که تب دنگی یک عفونت ویروسی ناشی از پشه است که باعث بیماری شدید می‌شود. این سازمان افزوده است: «دنگی یک بیماری ناقل است که از طریق نیش پشه آلوده منتقل می‌شود. چهار نوع از این ویروس وجود دارد که باعث دنگی می‌شود. این بیماری با نام‌های ۱-DEN، ۲-DEN، ۳-DEN و ۴-DEN شناخته می‌شود.» به گفته سازمان جهانی صحت، میزان بروز دنگی طی ۵۰ سال گذشته ۳۰ برابر شده است. این نهاد تخمین می‌زند که سالانه ۵۰ تا ۱۰۰ میلیون عفونت در بیش از ۱۰۰ کشور رخ می‌دهد که تقریباً نیمی از جمعیت جهان را در معرض خطر قرار می‌دهد.

علائم تب دنگی چیست؟

مراکز کنترل و پیش‌گیری از بیماری (Centers for Disease Control and Prevention) شایع‌ترین علائم تب دنگی را سردردی، درد چشم (معمولاً پشت چشم)، درد عضلانی، تهوع و استفراغ دانسته است. با این حال سازمان جهانی صحت می‌گوید: «دنگی علائمی شبیه آنفولانزا ایجاد می‌کند و دو تا هفت روز طول می‌کشد. تب دنگی معمولاً پس از یک دوره ۴-۱۰ روز پس از نیش پشه آلوده رخ می‌دهد.»

تب دنگی چه زمانی شیوع پیدا می‌کند؟

دنگی (تب استخوان‌شکن) که عمدتاً توسط پشه (Aedes aegypti) ایجاد می‌گردد، در تمام مناطق گرم‌سیر پخش می‌شود. سازمان جهانی صحت می‌گوید: «تا زمانی که پشه‌ها فعال‌اند، شیوع دنگی در هر زمانی رخ می‌دهد. به‌طور کلی، رطوبت و درجه حرارت بالا، شرایطی است که به بقای پشه کمک می‌کند و احتمال انتقال را افزایش می‌دهد.»

تب دنگی چه زمان در افغانستان شیوع کرد؟

ریاست صحت عامه ولایت ننگرهار سال گذشته گفته بود که بیماری تب دنگی از پاکستان به این ولایت انتقال یافته است. گفته می‌شود که این تب به‌صورت متناوب در افغانستان شایع شده است. به گفته ریاست صحت عامه ننگرهار، نخستین موج شیوع آن در سال ۲۰۱۹ در شرق کشور آغاز یافت که ۱۵ واقعه به ثبت رسید.

راه مقابله و درمان چیست؟

سازمان جهانی صحت توصیه می‌کند که بهترین راه مقابله با این بیماری، پیش‌گیری است. به گفته این سازمان، استفاده از پشه‌خانه، جالی گرفتن کلکین، پوشیدن لباس آستین‌بلند، استفاده از حشره‌کش و افزایش آگاهی عمومی در مورد این بیماری، از راه‌های مقابله با تب دنگی است. این سازمان می‌گوید: «هیچ واکسین یا داروی خاصی برای تب دنگی وجود ندارد. بیماران باید به دنبال مشاوره پزشکی، استراحت و نوشیدن مایعات فراوان باشند.»

سازمان جهانی صحت می‌گوید که بیماران برای کاهش تب و درد مفاصل از پراستامول استفاده کنند، اما داروهای آسپرین یا ایبوپروفن مصرف نکنند که منجر به افزایش خون‌ریزی می‌شود. داکتران نیز می‌گویند که مردم برای پیش‌گیری از مبتلا شدن به این ویروس، باید در برابر پشه‌ها از خود محافظت کنند و دفعات گزیده‌گی با نیش آن‌ها را محدود سازند.

در همین حال نقیب‌الله رحیمی، سخنگوی ریاست صحت عامه ننگرهار تحت مدیریت طالبان، به روزنامه ۸ صبح می‌گوید که تاکنون هیچ واقعه‌ای از تب دنگی در این ولایت به ثبت نرسیده است. این در حالی است که براساس یافته‌های نماینده‌گی سازمان جهانی صحت، بین ماه‌های جون و جولای ۲۰۲۲ در ولایت ننگرهار ۶۴ تن به این بیماری مبتلا شدند.

راز صعود اردوغان

شجاع‌الدین امین

از اردوغان تصویرهای متفاوتی ارایه می‌شود. گروهی او را اسلام‌گرای افراطی می‌خوانند که می‌خواهد دموکراسی ترکیه را نابود کند، گروهی او را مردی «اوتوکرات» می‌دانند که سیمای خود را با زیور دموکراسی آراسته است، برخی او را مردی متفرعن می‌دانند که نشئه‌اش فقط با تحقیر مخالفانش فرو می‌نشیند و جمعی چهره کاریزما و اسلام‌گرای میانه‌رو خطابش می‌کنند. آن‌چه روشن است، این است که او پس از کمال اتاترک، بنیان‌گذار ترکیه جدید، مشهورترین دولت‌مرد این کشور به شمار می‌رود. حامیانش دوست دارند او را «اتاترک دوم» خطاب کنند؛ این در حالی است که او راه رفته اتاترک را نمی‌پیماید. اردوغان از سال ۲۰۰۳ تا این‌دم عنان قدرت ترکیه را در کف دارد. از ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۴ در قامت نخست‌وزیر فرمان راند و از ۲۰۱۴ تا حال در قامت رییس‌جمهور.

اردوغان در همکاری با عبدالله گل، حزب عدالت و توسعه (آ.ک.پ) را در سال ۲۰۰۱ تأسیس کرد و ۲۰ سال است که از نشانی این حزب زمام امور ترکیه را در چنگ دارد و رقیبانش تا این‌دم نتوانسته‌اند او را از میدان عقب زنند. این امر سبب شده است که بسیاری او را به چشم دولت‌مردی قدرت‌مند در ترکیه ببینند. البته اردوغان با طی کردن روندها و فرایندهای دموکراتیک به قدرت رسیده است، نه کودتا. هر تغییر بزرگی که در سیاست داخلی ترکیه ایجاد کرده، پشتوانه آن رای مردم و پارلمان بوده است که نمونه درشت آن می‌تواند اصلاح برخی ماده‌های قانون اساسی در سال ۲۰۱۷ باشد که به همه‌پرسی گذاشته شد.

با توجه به این پیش‌گفته، پرسشی که مطرح می‌شود، این است که چه عواملی سبب شده است تا اردوغان دیرسال در قدرت بماند و به دولت‌مردی قدرت‌مند و مشهور در ترکیه تبدیل شود؟ به نظر می‌رسد که عوامل و زمینه‌های ذیل بستر رشد را برای او فراهم کرده باشد:

۱- انتخابات ۲۰۱۴

یکی از زمینه‌هایی که اردوغان را به شهرت رساند، انتخابات ۲۰۱۴ بود. آن اولین انتخاباتی بود که برای گزینش رییس‌جمهور به‌گونه سراسری در ترکیه راه‌اندازی شد.

قبل از آن، رییس‌جمهور در پرتو قانون اساسی ۱۹۸۲ به مدت هفت سال از سوی پارلمان گزینش می‌شد. بعداً در سال ۲۰۰۷ اصلاحاتی در قانون اساسی رخ داد که یکی گزینش رییس‌جمهور با رای مستقیم و سراسری مردم به مدت پنج سال بود. انتخابات ۲۰۱۴ برای اردوغان بیشتر از گذشته شهرت به هم زد؛ چون اولین رییس‌جمهوری بود که با رای مستقیم و سراسری مردم روی کار می‌آمد. پس از آن انتخابات، به دنبال آن شد تا اختیارات رییس‌جمهور را افزایش و از نخست‌وزیری را کاهش دهد. همان بود که در سال ۲۰۱۷ پس از راه‌اندازی همه‌پرسی، نظام سیاسی را از پارلمانی به ریاستی تغییر داد. تجمیع قدرت در نهاد ریاست‌جمهوری، سبب شد که اردوغان به‌مثابه دولت‌مردی قدرت‌مند معرفی شود و زمینه برای بقای او در قدرت بیشتر مساعد گردد.

۲- هویت اسلامی

این‌که اردوغان یک چهره اسلام‌گرا است، در آن شکی نیست. گفته می‌شود که سامانه فکری او، متأثر از اندیشه نجم‌الدین اربکان و فتح‌الله گولن است. اردوغان در سال ۱۹۹۴ از نشانی حزب رفاه به رهبری اربکان به‌حیث شهردار استانبول ایفای وظیفه می‌کرد. او در آن برهه با خواندن شعری که ماهیت اسلامی داشت، تقاضای اسلام‌گرا بودن خود را با چهار ماه زندانی شدن پرداخت: «مساجد پادگان‌های ما هستند و گنبدها کلاه‌خودهای ما، مناره‌ها سرنیزه‌های ما و مومنان سربازان ما.»

تاکید اردوغان و حزیبش بر هویت اسلامی، برای او شهرت به هم زده است. اسلامی را که اردوغان می‌خواهد در سیاست دخالت دهد، اسلام رادیکال نیست، بلکه اسلام میانه است که با نیروهای مخالف می‌سازد. اردوغان برای احیای هویت اسلامی آهسته و پیوسته گام می‌گذارد تا این‌که اصطکاک اجتماعی ایجاد نشود. به نظر می‌رسد که تلاش وی برای احیای هویت اسلامی در جامعه ترکیه جذابیت داشته است، ورنه ممکن نیست ۲۰ سال تمام در قدرت بماند و همه‌چیز را در اختیار گیرد. می‌توان گفت که با وصف ۸۰ سال حکم‌روایی نیروهای سکولار در ترکیه، هنوز بدنه اجتماعی این کشور گرایش به اسلام دارد. برای نمونه، در نظرسنجی‌ای که در سال ۲۰۱۲ انجام شد، درصدی کسانی که در برهه‌های نظرسنجی

خود را مسلمان معرفی کردند، با افزایش ۱۰ درصدی در ۲۰ سال گذشته، به ۸۵ درصد رسید. در آن نظرسنجی درصد کسانی که در ماه رمضان روزه می‌گیرند، ۸۶ و درصدی مردانی که در هفته‌ای یک بار به مسجد می‌روند، ۵۷ اعلام شد. بر این اساس، از هر سه نفر یکی روزه می‌گیرد و پنج مرتبه در روز نماز می‌خواند. بدیهی است که جامعه‌ای با این خوی و ماهیت، طرح «آ.ک.پ» مبنی بر اسلامیزه‌سازی سپهر اجتماعی را می‌پسندد.

همچنان اردوغان در مواجهه با نیروهای سکولار مشی میانه‌روی را پیشه کرده و از تحمیل و اجبار در مسیری آن‌چه احیای هویت اسلامی خوانده می‌شود، در حد امکان دوری گزیده است. قانون اساسی را تعدیل نکرده و ماهیت سکولاریستی نظام سیاسی ترکیه را محفوظ داشته است. فقط می‌خواهد سپهر اجتماعی ترکیه را اندکی با زیور اسلام صیقل دهد. تمرکز او، بیشتر روی آرایش و پیرایش نمادها است تا کار بنیادی و زیرساختی در این زمینه. کلان‌ترین کاری که در جهت اسلامیزه‌سازی جامعه انجام داد، این بود که دستور منع حجاب را برداشت و آن را اختیاری ساخت. به نظر می‌رسد که این گام درست و دوراندیشانه‌ای بود که برداشته شد.

نیروهای سکولار حجاب را مطلق منع کرده بودند، ولی اردوغان آن را به‌مثابه حقی که در اعمال آن اختیار در کار باشد، شناخت. در خاورمیانه و کشورهای اسلامی نسخه حزب عدالت و توسعه در باب آمیزش دیانت و سیاست از سوی بسیاری نسخه موفقی خوانده می‌شود. باری، باراک اوباما، رییس‌جمهور پیشین آمریکا، در سال ۲۰۱۱ از ترکیه به‌عنوان «خودمشغول‌اند» یاد کرد و آن را مدل کارآمد برای کشورهای عربی که دست‌خوش خیزش‌های مردمی شده بودند، خواند.^۱

۳- کوتاه‌کردن دست ارتش از سیاست

ارتش ترکیه در سیاست این کشور نیرویی اثرگذار بوده است؛ چون اتاترک، بنیان‌گذار ترکیه نوین، مردی نظامی بود و به واسطه جنگ توانست ترکیه نوین را ایجاد کند. آنان در کارخانه‌ها و کارگاه‌ها با حداقل دست‌مزد خلاف رشته کاری خود مشغول‌اند و یا حتا از آن فرصت‌های حداقلی نیز محرومند. تعداد معدودی که به غرب و کشورهای پیش‌رفته راه یافته‌اند، اگر به‌تدریج بتوانند در آن جوامع راه یابند و فرصت‌های شغلی مناسب به دست آورده دوباره به رشته تحصیلی و تخصص خود برگردند، در بهترین حال در آن جوامع جذب خواهند شد، بدون آن‌که تماس موثری برای انتقال تجربه به هم‌وطنان خود داشته باشند.

این‌گونه فرار نخبه‌ها، کشور را تقریباً فلج ساخته است؛ چون در میان آن‌ها خبرنگاران، شاعران و نویسندگان، استادان دانشگاه و مکاتب، نخبگان، افراد مسلکی و متخصصان بخش‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و نظامی بیشتر بوده‌اند که بالای آن‌ها پول‌های هنگفتی جهت ساختن آینده کشور هزینه شده بود. گمان می‌رود که فرار این قشر از کشور، افغانستان را به صدها سال عقب خواهد راند و آسیب آن جبران‌ناپذیر است. همه انسان‌ها حق دارند آزادانه و سعادت‌مند زنده‌گی کنند. آن‌ها حق دارند شغل‌های مناسب را اختیار کنند تا کرامت انسانی‌شان محفوظ بماند. انسان‌ها حق دارند محل زنده‌گی خود را آزادانه انتخاب کنند و هیچ‌کسی نمی‌تواند آن‌ها را مجبور به اقامت در محلی خاص کند.

از آرمان اتاترک فاصله گرفته‌اند، دست به کودتا می‌زد. برای نمونه، پس از مرگ اتاترک تا اواخر دهه ۱۹۹۰ چهار کودتای نظامی در ترکیه صورت گرفت که منجر به سقوط حکومت‌ها شد: کودتای ۲۷ می ۱۹۶۰، کودتای ۱۲ مارچ ۱۹۷۱، کودتای ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۰ و کودتای ۲۸ فبروری ۱۹۹۷ که منجر به سقوط حکومت نجم‌الدین اربکان، یکی از چهره‌های اسلام‌گرا شد.^۲ کودتای نافرجام ۱۵ جنوری ۲۰۱۶ سبب شد تا اردوغان در مواجهه روشن با ارتش قرار گیرد. او برای آن که خیال خود را راحت کند، دست به تصفیه صفوف ارتش زد؛ تصفیه‌ای که هم‌زمانی ارتش بر سیاست را شکست.

۴- پان‌ترکیسم

وحدت میان کشورهای ترک‌زبان، یکی از دغدغه‌های بزرگ اردوغان است. او با به میان آوردن طرح ضرورت وحدت میان این کشورها، می‌خواهد رهبری آن‌ها را در دست گیرد و قطب جداگانه‌ای با هویت ترکی در منطقه شکل دهد تا نفوذ خود را در خاورمیانه، آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی تحکیم بخشد. برای این منظور در سال ۲۰۰۹ «شورای همکاری کشورهای ترک» ایجاد شد که بعداً به «سازمان دولت‌های ترک» تغییر نام داد. مهم‌ترین هدف این سازمان، این است که کشورهای ترک‌زبان حول محور واحد متحد شوند. کشورهای اوزبکستان، قزاقستان، قرغیزستان، ترکمنستان و آذربایجان به اضافه ترکیه عضویت این سازمان را دارند. ایده پان‌ترکیسم سر درازی در تاریخ ترکیه دارد. این ایده از سوی ترکانی خلق شد که در سایه امپراتوری تزار روسیه می‌زیستند. این ایده، در واکنش به تحمیل هویت روسی بر اقلیت ترک در روسیه، متولد شد. از ضیاء‌گوک‌آپ، یکی از روشن‌فکران ترک، به‌عنوان پدر پان‌ترکیسم نام برده می‌شود.^۳ این ایده، امروزه ماهیت سیاسی به خود گرفته است و اردوغان با علم کردن آن می‌خواهد ترک‌های خاورمیانه، قفقاز جنوبی، آسیای مرکزی و افغانستان را در محوریت ترکیه گردآورد. البته برای آن‌که علم کردن ایده پان‌ترکیسم حساسیت برنینگیزد، می‌کوشد آن را با شعارهای اسلامی درآمیزد که از آن به «نیوعثمانی‌گره‌ی» تعبیر می‌کنند.

۱. تیم مارشال (۱۴۰۲). قدرت جغرافیا؛ نقشه‌هایی که اکنون و آینده جهان را آشکار می‌کنند. ترجمه: پرناز طالبی، ص ۲۱۹.
۲. ک. https://www.noormags.ir/view/fa/ articlepage
۳. گل‌حمدی، ولی (۱۴۰۰). در جست‌وجوی استقلال استراتژیک؛ سیاست خارجی ترکیه در عصر گذار نظام بین‌الملل، ص ۱۰۷.
۴. ک. https://lmnet.ir/author
۵. ر. ک. احمدی، حمید (۱۴۰۰). سیاست و حکومت در خاورمیانه و شمال آفریقا، ص ۱۶۴.

فرار نخبه‌گان از افغانستان

حشمت‌الله اسلمی

پس از سقوط جمهوریت و روی‌کارآمدن طالبان در افغانستان، شاهد موج‌های بزرگی از فرار و آواره‌گی مردم بوده‌ایم. این روند هنوز هم ادامه دارد. در جریان ۲۰ سال جمهوریت در کشور، زمینه درس و تحصیل برای جوانان دختر و پسر تا حدی مساعد شد و بیشتر جوانان هم که از زنده‌گی در خارج از کشور به دلایل مختلف خسته بودند، برگشتند. تا حدودی آزادی‌هایی هم به نهادهای خصوصی داده شد و صدها مرکز تعلیمی و دانشگاه در کشور تأسیس شدند. زمینه دسترسی مردم به درس و تعلیم بیشتر شد و تا حدی توانستند از لحاظ تحصیلی به مدارج متوسط خود را برسانند. با وجودی که مشکلاتی در دوره جمهوریت وجود داشت، ولی از لحاظ فراهم‌آوری زمینه تحصیلی، دستاوردهای انکارناپذیری نیز داشت. در واقع درخشان‌ترین دستاورد آن دوره، تربیت نیروی قابل توجه تحصیل کرده و آشنا با مهارت‌های فنی بود. هزاران زن و مرد در دانشگاه‌های معتبر جهانی آموزش دیدند و به وطن برگشته مشغول کار شدند و همچنان در آموزش نیروهای بشری بیشتر سهم گرفتند. دانشگاه‌های دولتی و خصوصی بسیاری رونق گرفتند و رقابت مثبتی بین جوانان در پی‌موندن مدارج عالی تحصیلی راه افتاد. افغانستان تا حدودی آماده پی‌موندن مسیر پیش‌رفت شده بود و در صورتی که آن جریان ادامه می‌یافت و اصلاح می‌شد، یعنی کم‌وکاستی‌هایش به‌تدریج رفع می‌گردید، کشور می‌توانست وارد میدان رقابت منطقه‌ای در عرصه

فرار نخبه‌ها اما فرار سرمایه‌های نیروی انسانی است که با صرف هزینه به دست آمده‌اند. معمولاً جامعه به تخصص، دانش و مهارت فنی این نیروها نیاز دارد. نیروی انسانی مهم‌ترین دارایی یک کشور است که افغانستان به‌سختی به دست آورد و به‌آسانی از دست داد.

متأسفانه در دو سال اخیر به دلیل مشکلات اقتصادی، سیاسی و... بسیاری از نخبه‌گان افغانستان به کشورهای دیگر پناهنده شده‌اند. یقیناً نبود و کمبود اشخاص متخصص و ورزیده در جامعه‌ای همچو افغانستان، زودتر احساس می‌شود، به دلیل این‌که نیروی متخصص و کدر خیلی کم‌تعداد بود. یک جامعه فقیر بیش از هر عاملی به تخصص نخبه‌گان و متفکران نیازمند است. مهم‌ترین و اصلی‌ترین راهکار برای رفع فقر، ارتباط بیشتر با نخبه‌گان و کدرها است.

آن‌هایی که رفته‌اند، در شرایط کنونی برنمی‌گردند و آن‌هایی که مانده‌اند، هم به رفتن می‌اندیشند. در آن صورت، جامعه بیشتر از وجود افراد متخصص و نخبه خالی خواهد شد. بنابراین، برای جلوگیری از خروج نخبه‌گان باقی‌مانده، باید امنیت جانی و شغلی آن‌ها فراهم آید و از آن‌ها در امور مدیریتی در سطح کلان کشور کار گرفته شود تا احساس مفید بودن به آن‌ها دست دهد. امروز مشاهده می‌کنیم که درس و تعلیم کم‌رنگ شده است، حق تحصیل از یک قشر فعال جامعه گرفته شده است، زمینه کار برای مردم مساعد نیست و آینده جوانان روشن نیست. از این لحاظ جوانان هم کمتر به درس و تعلیم و ماندن در کشور علاقه دارند. ادامه به حاشیه راندن آن‌ها از سوی طالبان، سرمایه‌های بیشتری را از دسترس خارج خواهد کرد.



یهنیا

زنان، قربانیان اصله جنگ؛

روایت دختری که از ترس طالبان به شوهر داده شد

می‌بردند و دختران جوان و زنان بیوه را به‌عنوان غنیمت جنگی با خود می‌بردند و با زور با آنان نکاح می‌کردند. او بارها برای این که به دام طالبان نیفتد، قصد خودکشی کرده است. به گفته او، در آن زمان سقوط در چاه آب و خوردن مرگ موش بهترین گزینه برای نجات از چنگ افراد طالبان شمرده می‌شد. شوهر خاله مریم که در آن زمان مرد میان‌سالی بوده، همانند فرشته نجات به درب خانه خاله مریم می‌آید و پدرش او را با این که هنوز از زنده‌گی زناشویی چیزی نمی‌دانست، به شوهر می‌دهد. خاله مریم نیز همانند او در سن کم قربانی ازدواج اجباری می‌شود و با سن کم با شوهرش که هیچ‌آشنایی با او نداشته است، راه پُرمشقت مهاجرت را در پیش می‌گیرد تا از گزند طالبان در امان بماند.

سرگذشت خاله مریم و ده‌ها زن دیگر، زنده‌گی بدون دغدغه او را به چالش کشیده و والدین مریم نیز از تکرار چنین سرنوشتی هراسان می‌شوند. پدر او با یکی از بسته‌گان دورش که پیش از این با هم روابط خوبی داشتند، با مشوره بزرگان هر دو خانواده و بدون هیچ نظرخواهی از مریم، ترتیب ازدواج او را می‌دهد. مریم بی‌خبر از سرنوشتی که برای ادامه زنده‌گی او تعیین کرده‌اند، همچنان با خیال‌هایی که در سر داشت، مصروف رویاپردازی بوده است. او قصد داشت زنده‌گی را آن طوری که رویاپردازی کرده بود، ادامه دهد. درس و تحصیل را ادامه دهد، وارد دانشگاه شود و به رشته دلخواهش راه یابد، درس بخواند و در آخر نیز با مردی که عاشق او خواهد شد، ازدواج کند. اما زنده‌گی سازش را برخلاف خواسته او می‌نوازد و مریم را به پرتگاه پایان زنده‌گی خوش، سوق می‌دهد.

والدین مریم با آوردن یک جوهر لباس و شیرینی، خبر نکاح او را در نزدیک‌ترین فرصت با پسر خانواده دوست پدرش می‌دهند و خبر عروسی‌اش نیز در همه جا پخش می‌شود. مریم با شنیدن این خبر باورش نمی‌شود، چون پس از آمدن طالبان این اولین باری نیست که او از زبان والدینش بارها درباره عروسی خود می‌شنود. او می‌گوید: «پدر و مادرم بارها به من می‌گفتند که وضعیت خیلی خراب است و دختر نگه کردن در این شرایط خیلی سخت است. مکتب

مریم، دختر هژده‌ساله‌ای است که در روزهای نخست سقوط کابل به دست طالبان، قربانی ازدواج اجباری شده است. والدینش او را به دلیل ترس از شایعه‌های پخش‌شده در میان مردم، مبنی بر این که طالبان پس از ورود به کابل همه دختران جوان را به نکاح اجباری افراد خود در خواهند آورد، او را مجبور به ازدواج با یکی از اقارب دورش می‌کنند. مریم و شوهرش چندین سال تفاوت سنی دارند و او ناخواسته تن به ازدواج داده است.

و درس هم که نیست. تو باید عروسی کنی، ولی من همیشه فکر می‌کردم که حرف‌های‌شان جدی نیست.» اما آن حرف‌ها شوخی نبود. پدر و مادر مریم حتا روز نکاح او را تعیین کرده بودند.

پس از این خبر، ابر سیاهی بر آسمان زنده‌گی مریم سایه می‌افکند. مریم همانند بسیاری از دختران دیگر به این ازدواج تن داده و با رسم و رواج دیرینه والدینش مراسم عروسی را پشت سر می‌گذارد.

اما آغاز زنده‌گی جدید برای مریم خردسال که هیچ چیزی از زنده‌گی مشترک و مسوولیت‌های پس از ازدواج نمی‌داند، به‌سختی می‌گذرد و بار سنگین خانه‌خسرن در مدت کوتاهی شانه‌های استوار و جوان او را خم می‌کند و غرور نوجوانی‌اش را در هم می‌کوبد.

پس از آن، مریم آرامش خانواده پدر و آغوش مهربان مادر را در میان ناملاپت‌های روزگار گم می‌کند و بغض سختی‌های زنده‌گی در خانه شوهر را با پنهان کردن از والدینش به تنهایی قورت می‌دهد. روزها را با انجام کارهای سنگین خانواده خسرن و شب‌ها را با بدرفتاری‌های شوهر و مشت و لگدی که گاهی از سوی او بر اندام نحیف مریم حواله می‌شود، می‌گذراند. او می‌گوید: «از روزی که عروسی کردم، فقط چند ماهی با من خوب بودند، ولی بعد از آن روز خوش را ندیدم. شوهرم همیشه بدگمانی می‌کند و گاهی به بهانه‌های مختلف من را لت‌وکوب می‌کند.» روزها آفتاب پرتوش را بر بام خانه او می‌گستراند و شامگاهان به قصد غروب اشعه‌اش را جمع می‌کند.

اما با گذشت هفته‌ها و ماه‌ها هیچ‌گاهی نور امید از پنجره خانه او نمی‌تابد تا مریم بتواند اندکی خوشی پس از غم طولانی را تجربه کند. روزها را همین گونه بدون رهایی از فلاکت می‌گذراند و از سویی با گذشت هر روز از حاکمیت طالبان، جیب خالی شوهرش همانند بسیاری از مردم خالی‌تر می‌شود.

جیب خالی و بی‌کار شدن شوهرش از یک طرف و در عین حال خبر به دنیا آمدن نخستین فرزندشان از طرف دیگر، مریم را بیش‌تر از هر زمان دیگری در تنگنا قرار می‌دهد. او نمی‌داند که آیا با خبر دادن اولین فرزند به خانه خسرنش خوش‌حال باشد و یا به‌خاطر آوردن نان‌خور اضافه در چنین شرایطی غمگین شود. مریم می‌افزاید: «با این که حالم هیچ خوب نبود ولی می‌ترسیدم که با خبر دادن موضوع حامله شدنم، طعنه آوردن نان‌خور اضافه سرم اضافه شود.» چون به‌تازگی او به‌عنوان عروس سیاه‌بخت، مقصر اصلی وضعیت بد اقتصادی خانه خسرنش شناخته شده است و طعنه‌های مادر شوهرش، او را امان نمی‌دهد. مریم می‌گوید: «چند ماه بعد از عروسی ما، شوهرم به کلی بی‌کار شد و روزها به دنبال کار می‌رفت و هیچ کاری برایش پیدا نمی‌شد. از همان زمان خشویم طعنه دادن را شروع کرد و هر بار به من می‌گوید که تو عروس بدقدم هستی که با آمدنت خانه ما را خشک کردی.»

پس از گذشت چندین ماه، او با سپری کردن روزهای پُرمشقت بارداری و طعنه‌های پی‌هم خانواده خسرن، اولین فرزندش را ناخواسته به دنیا می‌آورد و اکنون پنج‌ماه از عمر فرزندش می‌گذرد، اما شوهرش قادر به تأمین هزینه زنده‌گی نیست. مریم اکنون مجبور است به تنهایی ناله و فریاد فرزندش را به علت گرسنه‌گی تحمل کند و گاهی برای سیر کردن شکم او به خانه همسایه‌ها سر بزند.

مریم اکنون از زنده‌گی خوب و رویاهای بلند پروازانه‌ای که در سر داشت، برای همیشه دور شده است. دغدغه این روزهای او چگونه‌گی سیر کردن شکم فرزندش است که مبادا از گرسنه‌گی بمیرد. ازدواج اجباری، آن دختر نوجوان و شاد دیروز را افسرده و رنجور کرده است.

این تنها مریم نیست که در پی به قدرت رسیدن طالبان در افغانستان قربانی ازدواج اجباری و ناخواسته شده است. هزاران دختر دیگر نیز تجربه مشابه او را دارند. فقر و ناداری خانواده‌ها از یک‌سو و قیود طالبان بر زنان از سوی دیگر، فضا را برای دختران جوان به‌شدت تنگ کرده است. بیشتر خانواده‌ها حاضرند دختران جوان و نوبالغ خود را هرچه زودتر به شوهر داده و از مسوولیت آنان رهایی یابند.

هجوم ملخ‌ها در بادغیس؛ کشاورزان توان مبارزه با آفت‌های طبیعی را ندارند

صبح، بادغیس

همزمان با زبانی که کشاورزان از بابت خشک‌سالی متحمل می‌شوند، هجوم ملخ‌ها آفت دیگری است که دهقانان بادغیس را نگران کرده است. بادغیس از ولایت‌هایی است که زنده‌گی باشندگان آن با زراعت و مالداری گره خورده است. براساس اظهارات کشاورزان، کشتزارهای دست‌کم چهار ولسوالی این ولایت از جمله جوند، تکاب‌عالم، دره بوم و بالامرغاب از هجوم ملخ‌ها زیان دیده است.

به گفته زمین‌داران، در هر کشتزاری که ملخ‌های مراکشی هجوم بیاورند، هیچ نباتی حاصل نخواهد داد؛ زیرا این حشره‌ها همه نباتات سبز رنگ را می‌بلعند. این کشاورزان به‌گونه انفرادی توان مبارزه با ملخ‌ها را ندارند. آنان از وزارت زراعت و سازمان‌های حامی کشاورزان می‌خواهند تا در امر مقابله با این پدیده طبیعی به آنان یاری برسانند.

سیف‌الله، کشاورز در ولسوالی جوند ولایت بادغیس است. او در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گوید: «ملخ آفتی است که به محضی به علف و گندم و جو برسد، کلاً کشت و علف را از بین می‌برد. ملخ‌ها امسال بسیار زیاد شده و در قریه جوند که سر بزیند، گپ از حمله ملخ‌هاست، مردم همه حیران مانده‌اند



که چه کنند، هیچ توجه هم نمی‌شود.»

این کشاورز توضیح می‌دهد که ملخ‌ها نظر به نوعیت و چگونه‌گی هجوم به انواع مختلف دسته‌بندی می‌شوند. او می‌افزاید: «به کشتی که ملخ برسد او کشت از دست می‌رود، به هر جایی که درآمد به هر چوک گندم و جوی که می‌درآیند، پاک می‌خورند و [آن کشتزار] دیگر هیچ حاصل نمی‌دهد. ملخ‌ها به هر کشتی که می‌چسبند سبزی را پاک می‌خورند. این یک نوع ملخ است و ملخ‌های دیگر زمانی حمله می‌کنند که گندم خشک باشد. به نزدیک خوشه گندم می‌آیند و خوشه را قلم می‌کنند و خوشه می‌افتد به زمین. خلاصه بگم که ملخ بسیار آفت بد است. به هر منطقه که رفت، همه را خراب می‌کند.»

عبدالصیر، کشاورز دیگری در ولسوالی تازه‌تاسیس تکاب‌عالم در بادغیس است. او می‌گوید: «همه زحمت‌هایی که کشیدم از بین رفت و با خاک یکسان شد. امسال با دل‌پری از زمستان که در منطقه ما برف زیاد کرد، باز کشت زیاد کردم، اما این آفت ملخ به داخل کشت‌ها افتاد و ما را دربه‌در کرد.» عبدالصیر می‌افزاید: «گفتم سال آباد می‌آید، ۴۰ من گندم کشت کردم و ۱۰ من جو. علف‌هایی هم داشتیم به‌خاطر مال و مالداری خود. اما این ملخ‌ها دو هفته می‌شود که داخل کشت افتاده و دیگر حاصل ازش به دست نمی‌آید.»

این کشاورز که از برداشت حاصلات زمین‌های زراعتی‌اش دست شسته است، علاوه می‌کند: «زنده‌گی من به دهقانی و کشت و زراعت تیر می‌شود. از همین دهقانی یک خانواده ۱۱ نفری را نان می‌دهم، این هم امسال از تاثیر آفت ملخ این رقم شد، نمی‌دانم چیه به سر و کله خود بزنم.»

کشاورزان ولایت بادغیس در حالی از هجوم ملخ‌ها به کشتزارهای‌شان شکایت دارند که سازمان خوراکی و زراعت ملل متحد (فائو) با نشر اعلامیه‌ای گفته است که هشت ولایت افغانستان که به دلیل کشتزارهای گسترده به‌عنوان سید گندم افغانستان شناخته می‌شوند، در معرض هجوم ملخ‌های

مراکشی قرار گرفته‌اند. این سازمان از مشاهده ملخ‌های مراکشی در ولایت‌های بادغیس، تخار، بدخشان، سرپل، بغلان و سمنگان هشدار داده و افزوده است، در صورتی که جلو هجوم این حشرات گرفته نشود، کشاورزان با فاجعه بزرگ روبه‌رو خواهند شد.

با این حال، کشاورزان در بادغیس از عدم همکاری ریاست زراعت زیر اداره طالبان و نهادهای دیگر شکایت دارند. به گفته آنان، با وجود این که چهار ولسوالی این ولایت گواه هجوم گسترده ملخ‌هاست، ریاست زراعت تنها در شماری از روستاهای دو ولسوالی یک مقدار دواپاشی کرده است.

مقام‌های محلی طالبان در بادغیس اما از راه‌اندازی کارزار مجادله علیه ملخ‌ها خبر داده‌اند. ریاست زراعت، آبیاری و مالداری طالبان در بادغیس گفته است که روند مجادله علیه آفت ملخ‌ها از سوی این ریاست در همکاری با باشندگان محل در ولسوالی‌های جوند و بالامرغاب آغاز شده است. به گفته دست‌اندرکاران این ریاست، سه تیم از بخش مدیریت حفاظت نباتات این ریاست مصروف مبارزه با این آفت هستند و قرار است ملخ‌های مضره توسط این تیم کنترل شوند تا حاصلات کشاورزان از حمله ملخ‌ها مصون بماند.



ممانعت از تعلیم دختران دیردوام نخواهد کرد

سالار هاشمی

بیش از ۶۰۰ روز از منع تعلیم دختران می‌گذرد و مردم هنوز منتظر امر ثانی نشسته‌اند تا امیر طالبان این ممنوعیت را با فرمان امارتی بردارد؛ اما این امید نه، بلکه توقع خلاف واقع و از سرناچاری است. تمام اطلاعاتی که تاکنون از امیر طالبان و شیخ‌های مشاورش به دست ما رسیده، حکایت از مخالفت بنیادی و عقیدتی آنان با تعلیم دختران دارد. آنان می‌خواهند زنان تنها نماز، وضو، غسل و دیگر احکام دینی و قواعد عبادت را بیاموزند. بیش از آن، فرصت تعلیمات مذهبی تخصصی را نیز به زنان و دختران نمی‌دهند.

بیش از ۶۰۰ روز شد که میلیون‌ها دختر و زن افغان در خانه‌ها محبوس شده‌اند و با سرنوشت نامعلوم روبه‌رویند. این وضعیت از سوی عناصر ضد تعلیم بر جامعه ما تحمیل شده است که در پی خاموش ساختن مشعل دانش در وطن مایند. آنان فکر می‌کنند که ذهن‌های تحصیل‌یافته مایه شر می‌شود و زن موجودی با طبیعت آلوده به شر است. اگر زنان تعلیم بکنند، آنگاه طبیعت فتنه‌انگیزشان فعال‌تر می‌گردد. از این رو، طالبان در امارت نخست و کنونی علیه زنان انواع محدودیت‌ها را وضع کرده‌اند تا گویا جامعه را از فتنه دور نگه دارند!

ملاهای طالبی و عقب‌مانده در انزوای اجتماعی و بدون رابطه با زنان تربیت می‌شوند، از این رو ذهنیت بسیار جنسیت‌زده و غیراجتماعی در برابر زنان دارند و تصور می‌کنند که خانم‌ها جز رفع نیاز جنسی مردان مسوولیت دیگری ندارند. آنان در وجود زنان تنها علایم فارقه جنسیتی را می‌بینند. وقتی از زن یاد می‌شود، ملاهای عقب‌مانده فوراً به یاد رابطه جنسی می‌افتند. آنان فکر می‌کنند که رفتن زنان و دختران به مکتب، دانشگاه و کارخانه، باعث فساد اخلاقی می‌شود. از برخی افراد طالبان شنیده می‌شود که در

محل‌های کار و تحصیل «رابطه نامشروع رخ می‌دهد و ما باید مانع شویم». فکر می‌کنند اگر زن به بازار برود، عمل زشتی صورت می‌گیرد و طالبان باید زنان را مجبور به ماندن در خانه سازند.

خلاصه ملاهای طالب دچار مشکل تربیتی‌اند و ذهنیت آلوده دارند. در ذهن آنان، سکس نام دوم زن است. آنان زن را انسان آزاد نمی‌بینند. برای زنان حقوق اساسی قایل نیستند و باور دارند که حق زن به غذا، لباس و رابطه جنسی محدود می‌شود. خلیفه دین محمد، رییس شورای علمای طالبان، در یک کلیپ ویدیویی این سخنان را رسماً اعلام کرده است. خلیفه دین محمد را پیر، شیخ‌القرآن و شیخ‌الحديث می‌گویند و در مدرسه او هر سال صدها طالب جوان دستاربندی شده به ملایبی سوق داده می‌شوند.

حال به بهانه‌هایی که طالبان در رسانه‌ها در مورد ضرورت منع تعلیم دختران مطرح می‌کنند، توجه کنید. یک ادعای طالبان این است که محیط اسلامی می‌سازند. ظاهراً آنان مدعی‌اند که محیط افغانستان اسلامی نیست. در آن صورت باید پرسید که آیا محیط خانواده‌های شما اسلامی است؟ در خانه هر طالب چند نفر به سر می‌برند؟ آیا وقتی همسر طالب با برادر شوهرش یک‌جا در خانه‌ای زنده‌گی می‌کند، اسلامی است؟ اگر طالب جواب دهد که برادران نمی‌توانند بعد از ازدواج از خانواده پدری جدا شده و مستقل زنده‌گی کنند، یا این‌که خیلی از مردان بعد از ازدواج برای کار مجبور به سفر می‌شوند و چاره‌ای جز ترک همسر نزد برادر و پدر ندارند و ضرورت اجتماعی برخی اقدامات و تصامیم غیرمشروع را مجاز می‌سازد (الضرورات تبيح المحظورات)، در آن صورت تعلیم و کار و تحصیل دختران نیز ضرورت است. چرا به این ضرورت‌های موجه و حیاتی جامعه توجه نمی‌شود؟

ملاهای طالبی و عقب‌مانده در انزوای اجتماعی و بدون رابطه با زنان تربیت می‌شوند، از این رو ذهنیت بسیار جنسیت‌زده و غیراجتماعی در برابر زنان دارند و تصور می‌کنند که خانم‌ها جز رفع نیاز جنسی مردان مسوولیت دیگری ندارند.

در کشور ما زیارت‌های بسیاری فعال‌اند که زنان به آن‌جا برای طلب حاجت یا دم و دعا می‌روند و ملایان و تعویذنویسان با آنان در تماس‌اند؛ اما طالبان علیه آنان اقدام نمی‌کنند و رابطه ملاها با زنان را منع نمی‌کنند. در زنده‌گی روستایی که طالبان با آن خوی دارند، بسیار روابط اجتماعی فعال میان مردان و زنان وجود دارد. گشت‌وگذار زنان در مزارع، کار زنان در باغ‌ها و رفت‌وآمد آنان از یک محل به محل دیگر اکثراً براساس ضرورت و بدون مانع انجام می‌شود. از آن‌جایی که قالب ذهن طالب با آن روابط بیگانه نیست و آن تماس‌ها مثل تعلیم و کار مستقل در ادارات و کارخانه‌ها باعث تحول اجتماع نمی‌شود، هیچ فرم‌انی از امیر طالبان علیه آن تماس‌ها و اختلاط‌های مرد و زن صادر نمی‌گردد.

ازدواج اجباری زنان، به بدل و بد دادن، معاملات پولی به نام طویانه، ندانن حق به بیوه‌ها و به شوهر دادن بیوه از سوی خانواده شوهر متوفایش بدون رضایت، همه در محلات و روستاهایی که طالبان بر آن‌ها نفوذ دارند، رایج است، ولی ملاهای طالب علیه آن ستم‌ها اقدامی نمی‌کنند.

طالبان با زنان تعلیم‌یافته و متکی بر خود مشکل دارند. با زنانی که از حقوق خود آگاه‌اند، زنانی که دست‌شان پیش شوهران دراز نیست، زنانی که زنده‌گی مشترک را اطاعت برده‌وار از شوهر نمی‌بینند، بلکه رابطه دوجانبه آگاهانه و دوستانه می‌خواهند، مشکل دارند. اصول پذیرفته‌شده بشری برای زنده‌گی مشترک حکم می‌کند که زن و شوهر به هم‌دیگر نگاه مالکانه نداشته باشند، بلکه به آزادی‌ها و حقوق یک‌دیگر احترام بگذارند و هر دو وظایف متقابل خود را انجام دهند؛ اما ذهنیت طالبانی این واقعیت‌ها را نمی‌پذیرد. آنان رابطه همسری را رابطه باداری و کنیزی می‌بینند و فکر می‌کنند که مرد در

همه حال باید حاکم باشد و زن همیشه فرمان شوهر را بپذیرد.

طرح تازه‌ای را که گفته می‌شود طالبان برای تعلیم دختران تهیه کرده‌اند، در وطن ما تطبیق‌شدنی نیست؛ چرا که ایجاد محیط کاملاً زنانه و جدا از مردان از نظر فنی و مالی ناممکن است. فراهم کردن زیربنای، نیروی انسانی و منابع مالی ایجاد سیستم و محیط آموزشی ویژه دختران در توان کشور نیست. تربیه معلمان کافی برای مکاتب ویژه دختران، حتا اگر امکانات ایده‌آل وجود داشته باشد، حداقل یک نسل وقت خواهد گرفت. تاخیر آموزش دختران به هر بهانه‌ای، ستمی ناخوشودنی است.

اگر به دیدگاه شیخان طالبان توجه کنیم، طوری که در بالا گفتیم، آنان برای زنان تنها تعلیمات ابتدایی مذهبی را مجاز می‌دانند. احتمال دارد به برخی رشته‌های تخصصی محدود چون پرستاری، قابله‌گی، طبابت و معلمی نیز تعداد معدودی را فرصت تحصیل بدهند؛ ولی در صورتی که جامعه مانع اقدامات جاهلانه آنان نشود، در رشته‌های دیگر از جمله امور اداری، سیاسی، انجینیری و خبرنگاری زنان را اجازه تحصیل و کار نخواهند داد.

طالبان نمی‌دانند، ولی اکثریت مردم ما به تجربه دریافته‌اند که تعلیم نقش حیاتی در زنده‌گی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دارد و ساختن خانواده سالم، محیط سازنده و جامعه مرفه بدون آموزش زنان ممکن نیست. برای زنده‌گی سالم و صمیمانه خانواده‌گی وجود زنان آموزش‌دیده و آگاه لازم است. آرامش مردان بدون رضایت زنان میسر نمی‌شود و ترقی مردان بدون انکشاف ظرفیت زنان ممکن نیست. کسانی که تصور می‌کنند مردان باید بدون سهم‌گیری زنان، جامعه را به آرامش و رفاه برسانند، دچار عقب‌مانده‌گی‌اند و درک ابتدایی از کارکرد جامعه و اقتصاد ندارند. در جهان هیچ جامعه پیش‌رفته و آرامی را نمی‌بینیم که زنان را به بند کشیده باشد.

کار، تعلیم و آزادی حقوق بشری است که هر انسان بدون توجه به جنسیت باید از آن‌ها برخوردار باشد. هر جامعه‌ای که بخشی از مردم در آن زیر فشار و دچار محرومیت باشد، آن جامعه نورمال نیست. خشونت، استبداد و تحمیل دیدگاه‌های شخصی و قشری بر دیگران، هیچ‌گاه نتیجه مطلوب به بار نمی‌آورد. آنانی که از درک اتفاقات محیط و نیازهای انسانی و اجتماعی اولیه مردم عاجزند، ظرفیت اداره کشور را نخواهند داشت و عاقبت در چاه عقب‌مانده‌گی غرق خواهند شد. مردم افغانستان از تلاش و پیکار برای حقوق اساسی خود دست نخواهند کشید. طالبان اگر به این خواسته‌های قانونی مردم تن ندهند، دیر یا زود با خشم امارت‌برانداز جامعه روبه‌رو خواهند شد.

به‌نام دین فریب‌مان می‌دهند

روستایی



علمی کافی برای بیان آموزه‌های دینی را هم ندارد، با استفاده از احساسات دینی مردم، به ثروت دست یابد و حرم‌سرای برای خود درست کند؟ این تناقض را چطور می‌توان حل کرد که هزاران جوانی که هنرمندتر و کوشاتر از این ملا هستند در وضع بد اقتصادی به‌سر ببرند و با انواع محرومیت‌ها دست‌وپنجه نرم کنند و از سوی حاکمیت طالبان در معرض فشار قرار داشته باشند، ولی این شخص که هنری جز اغفال مردم ندارد و از اندیشه عمیقی هم برخوردار نیست، با خاطر آسوده به مردم درس دین بدهد و گاهی اوقات توهمات شخصی‌اش را به اسم اندیشه دینی به مردم عرضه کند و زنده‌گی آسوده به دست آورد و ثروت قابل اعتنا جمع کند؟

آیا عجیب نیست که این قماش اشخاص با فروخواندن آیات و روایات دینی به گوش مردم، مخاطبان را به فکر رستاخیز و خدا می‌اندازند و به روی گردانی از لذت‌های دنیا فرا می‌خوانند، اما خودشان با پولی که از راه تبلیغ دین به دست می‌آورند، برای خود حرم‌سرا دست‌وپا می‌کنند و همسر پشت همسر بر می‌گزینند؟ این تناقض را چگونه می‌توان حل کرد؟ اگر این افراد به این آموزه‌ها باور دارند چرا پیش از دیگران، خودشان به آن‌ها عمل نمی‌کنند؟

ادامه در صفحه ۷

او بازگشت طالبان را مایه برکت برای خود دانست چرا که زمینه را برای گرفتن زنان متعدد فراهم آورده است. به گفته او، زن دوم و سومش خودشان از او خواسته‌اند که با آنان ازدواج کند.

تصور کنید در وضعیتی که صدها هزار و حتا میلیون‌ها تن در افغانستان از بیکاری رنج می‌برند و برای یافتن لقمه نانی گاهی به مهاجرت به کشورهای همسایه دست می‌زنند و گاهی هم با تحمل هزار سختی در داخل کشور زنده‌گی می‌کنند، آیا این عادلانه است شخصی که فقط چند صباح درس دین خوانده و توان

آورده تا با خواندن چند کتاب دینی، به خود اجازه دهند حرف‌های کلان‌کلان بزنند و به‌گونه‌ای رفتار کنند که گویا وظیفه دفاع از ارزش‌ها و تعلیمات دینی بر عهده آنان قرار داده شده و خود را بزرگ‌تر از آن چیزی که در واقعیت امر هستند جلوه دهند. توده‌ها که معمولاً از سواد بالا و فکر وسیع برخوردار نیستند به‌آسانی فریب آنان را می‌خورند و دین را از زبان آن‌ها یاد می‌گیرند؛ دینی که با خرافه و اسطوره و خیال‌اندیشی همراه است و به جای آن که زمینه‌ساز رستگاری و سعادت مردم شود، خوراری و جهل و عقب‌مانده‌گی را نهادینه می‌کند.

یکی از همین نیمه‌ملاها که بازارش پس از طالبان رونق یافته و فقط بلد است به زبان توده‌های بی‌سواد صحبت کرده و احساسات دینی آنان را برانگیزد و آن طور که از محتوای سخنانش به دست می‌آید، از دانش دینی لازم بی‌بهره است، در مصاحبه تلویزیونی با افتخار و خوش‌حالی از سه‌زنه بودنش یاد کرد و این که در ظرف دو سال اخیر، دو زن را به حیاله نکاح خود در آورده و قرار است اقدام به ازدواج با زن چهارم کند.

به نام دین...

به دنبال اعمال محدودیت شدید و همه‌جانبه طالبان بر زنان، زنان کشور با انواع مشکلات، اعم از مشکلات روانی، اجتماعی و اقتصادی، دست در گریبان هستند. شماری از افراد فرصت طلب با استفاده از مجربیت دختران و زنان، با آن‌ها ازدواج می‌کنند و آنان را بازیچه دست خود می‌سازند. پیشنهاد ازدواج از سوی دختر در فرهنگ افغانستان، امر شرم‌آور و زشت به حساب می‌آید. شما خود حدس بزنید که یک زن چقدر باید درمانده و گرفتار باشد تا حاضر شود دست به چنین کاری بزند. همه مردم افغانستان از برکت حاکمیت طالبان، به نحوی از انحا درمانده و مفلوک شده‌اند، اما زنان این کشور، درمانده‌تر و فلاکت‌زده‌تر هستند.

ملاهای وابسته به طالبان، مکرراً مردان را به چندهمسری تشویق می‌کنند و خودشان هم به این کار رغبت فراوان دارند. یکی از این ملاها در هرات می‌گفت که اگر کسی یک زن دارد، باید دو زن بگیرد و اگر دو زن دارد باید سه زن بگیرد و اگر سه زن دارد باید چهار زن بگیرد. مقام‌های بلندپایه طالبان هم پس از رسیدن به قدرت، زن دوم و سوم گرفته‌اند. ملا عمر، بنیان‌گذار تحریک طالبان، چهار زن داشت. در فرهنگ روستایی، چند زن گرفتن تا حدودی اشکالی ندارد، اما طالبان کوشیده‌اند این فرهنگ را به شهرها هم انتقال دهند و از زشتی آن در نظر شه‌نشینان بکاهند.

پیش از ظهور اسلام، ازدواج یک مرد با زنان متعدد سنت معمول و متداول و فاقد قیدوشرط در جامعه بود. مردان عرب آن چنان در این راه افرامی می‌کرده‌اند که در گرفتن زنان پرشمار با یکدیگر مسابقه می‌داده‌اند. بالاتر از قرآن، بالاتر از چهار زن گرفتن ممنوع اعلام شد و همزمان با آن، اگر کسی می‌خواست با بیشتر از یک زن ازدواج کند باید عدالت و مساوات را مراعات کند. البته قرآن تصریح می‌کند که «نمی‌توانید میان زنان عدالت برقرار کنید».

با همه این‌ها، ازدواج یک مرد با بیش از یک زن، به تعبیر فقیه‌ان مسلمان در جمله «مباح» شمرده می‌شود. از این رو، با توجه به فرهنگ‌ها، سنت‌ها و قوانین هر جامعه می‌توان بر آن قیدوشرط وضع کرد و آن را محدود ساخت. به همین جهت است که در بعضی از کشورهای اسلامی، «چندهمسری» ممنوع ساخته شده و اگر کسی به این کار مبادرت کند مستوجب پیگرد قانونی می‌شود. غرض این است که کسی حق ندارد با اقدام به تعدد زوجات مدعی شود که کار نیک کرده است. این کار با توجه به عواقب و پیامدهای اجتماعی و اقتصادی‌اش، در شرایط کنونی نه تنها کار نیک نیست بلکه ممکن است کار بد نیز تلقی شود.

شیخ محمد عبده، از مصلحان بزرگ مصر، در مقاله‌ای که تقریباً یک‌ونیم قرن پیش در یکی از نشریات مصری نوشت، به این مساله اشاره کرده است که باید شیوه مدیریت خانواده تغییر کند و پدیده چندهمسری مردان از بین برود. او به این اعتقاد بود که اجرای عدالت میان همسران متعدد ممکن نیست. به گفته محمد عبده، این کار پیامدهای ناگوار دارد و از این جهت، حاکم و قاضی شرع حق دارند که آن را ممنوع اعلام کنند. او حتا این پیشنهاد را مطرح کرد که باید در قانون برای زن هم حق طلاق گنجانده شود.

هر از گاهی رسانه‌ها از خودکشی یک زن در یکی از ولایت‌های افغانستان خبر می‌دهند. با توجه به خبرهایی که در این باره نشر می‌شود، می‌توان نتیجه گرفت که آمار خودکشی در میان زنان در دو سال اخیر افزایش یافته است. ترویج سنت چندزنی به سهم خود زنان را زیر فشار بیشتر قرار می‌دهد و آنان را از حقوق اساسی‌شان محروم می‌کند. با توجه به این که زنان امروزی در قیاس با زنان گذشته از آگاهی بیشتری بهره‌مند هستند و به آسانی ظلم و بی‌عدالتی را نمی‌پذیرند، تحمیل فشار از سوی طالبان و نهادهای همکار آنان بر زنان، پیامدهای ناگوار اجتماعی دارد و شکاف و بی‌اعتمادی میان زنان و مردان را بیشتر می‌کند. از سوی دیگر، استفاده از متون دینی برای تحت فشار قرار دادن زنان و دختران، باور زنان را نسبت به دین از بین می‌برد و این تصور را در میان آن‌ها القا می‌کند که دین اسلام نه تنها حقوق زنان را تضمین نمی‌کند بلکه ارزش‌های مردسالارانه را در جامعه ترویج می‌دهد. شاید تلاش طالبان برای جذب زنان به سوی ایدئولوژی خود با استفاده از مدرسه‌های طالبانی، بخشی از زنان را شست‌وشوی مغزی دهد، اما اکثریت آنان همچنان در برابر این ایدئولوژی مقاومت خواهند کرد.

حضور خاموشانه هند در افغانستان



نویسنده: شجاع‌الدین امینی

هند در ۲۰ سال جمهوری اسلامی در میان کشورهای کمک‌کننده به افغانستان، در رتبه ششم قرار داشت و بالاتر از سه میلیارد دالر در زمینه‌های گوناگون کمک کرد. سقوط جمهوری و به قدرت رسیدن طالبان، خلاف بسیاری از کشورهای منطقه برای هند ناخوش‌آیند تمام شد و عجلتاً رابطه دیپلماتیک خود با کابل را به تعلیق درآورد. مقام‌های هندی در مواجهه با طالبان ناگزیر به دو انتخاب بودند: این که از در تعامل وارد شوند، یا هم سیاست گذشته را که مبتنی بر حمایت از نیروهای مخالف طالبان بود، ادامه دهند. هند گزینه اولی را بر دومی ترجیح داد و کانال ارتباط با طالبان را گشود. همین بود که یک هیات دیپلماتیک هندی سال گذشته به رهبری جی‌پی سینگ، معاون وزیر خارجه هند، به کابل آمد. هدف این سفر، نظارت از نحوه توزیع کمک‌های بشردوستانه که از سوی این کشور به افغانستان ارسال می‌شود، خوانده شد.

دهلی نو به ارسال کمک‌های بشردوستانه و نظارت از نحوه توزیع آن بسنده نکرد و به بازگشایی سفارت خود در کابل رضایت داد؛ کاری که برای بسیاری مایه تعجب شد. البته مقام‌های هندی هدف از بازگشایی سفارت را رسیده‌گی به امور بشردوستانه و تسریع روند توزیع کمک‌ها عنوان کرده‌اند، نه تلاش برای برقراری رابطه رسمی با طالبان. مزید بر این، در دیدارهایی که میان مقام‌های طالبان و هندی انجام شده، از ضرورت تحکیم هرچه بیشتر رابطه میان دو طرف سخن رفته است، تا جایی که وزیر دفاع طالبان از آماده‌گی این گروه برای اعزام سربازان خود به هند جهت فراگیری آموزش نظامی خبر داد. همچنان بار دیگر طالبان اعلام کردند که هند حاضر شده است برای دیپلمات‌ها و کارمندان وزارت خارجه این گروه در حوزه امور دیپلماتیک برنامه‌های آموزشی برگزار کند.

تلاش هند برای برقراری رابطه با طالبان پرش‌برانگیز می‌نماید؛ چون میان این کشور و گروه طالبان در گذشته نه‌تنها پیوندی برقرار نبوده، بلکه طالبان که گفته می‌شود به اشاره پاکستان می‌فصلند، می‌توانند برای این کشور خطری بزرگ باشند. پرسشی که در زمینه مطرح می‌شود، این است که دهلی نو چرا به تعامل با طالبان رضایت داده است؟ برای دریافت پاسخ به این پرسش، توجه به نکات ذیل حایز اهمیت است:

۱- دهلی نو به افغانستان نگاه امنیتی دارد. در میان کشورهای منطقه، دو کشور به افغانستان نگاه امنیتی دارند که یکی هند است و دیگری روسیه. هند، افغانستانی را که نقش پای پاکستان در زمین آن مشاهده‌شدنی باشد را برای خود «جغرافیای خطر» می‌داند و برگشت طالبان به قدرت این خطر را برجسته‌تر ساخته است. همچنان حضور سهمگین اقتصادی چین در افغانستان مزید بر علت شده است. پاکستان و چین دو رقیب منطقه‌ای برای هند به شمار می‌روند و نقش آفرینی این دو کشور در قضایای متعلق به افغانستان، برای هند آزاردهنده است. همچنان وابسته‌گی طالبان به پاکستان چندان واضح است که جای گفتن ندارد. چین هم با طالبان رابطه

روشن و محکمی دارد و از داشتن این رابطه نه‌تنها ابا نمی‌ورزد، بلکه به آن فخر هم می‌کند. با توجه این پیش‌گفته، هند فکر می‌کند برای آن که افغانستان تحت سلطه طالبان تبدیل به حیاط خلوت پاکستان و چین نشود، درست این است که کانال تعامل با این گروه را باز نگه دارد، نه این که تنش میان دو طرف را کلید بزند که از پس آن نتواند موفق به‌در شود.

۲- دهلی نو از ناحیه افزایش فعالیت تروریسم فرامرزی به‌ویژه لشکر طیبه و جیش محمد، نگرانی دارد. هندی‌ها فکر می‌کنند که این دو گروه از سوی پاکستان علیه امنیت ملی هند ایجاد شده و تسلیح و تجهیز می‌شوند. به زعم مقام‌های هندی، برگشت طالبان به قدرت به‌مثابه یک گروه افراطی، گروه‌های نام‌برده را در پی‌گیری اهدافشان در مرزهای هند برمی‌انگیزاند، آن‌گونه که در دور اول سلطه طالبان اتفاق افتاده بود. فعالیت پیکارجویان کشمیری همچنان یک نگرانی بزرگ برای هند است. این‌همه گروه افراطی زمانی می‌توانند امنیت مرزهای هند را بیشتر به مخاطره افکنند که با القاعده و داعش بیوندند. دهلی نو فکر می‌کند که با وصف دشمنی با این‌همه گروه افراطی، درست نیست که دشمن دیگری در افغانستان برای خود دست‌وپا کند که آن دشمن بر یک کشور سلطه داشته باشد.

۳- رفتار هند با طالبان متفاوت از رفتار کل کشورهای منطقه است. هند به بازگشایی سفارت خود در کابل آن‌هم با اگر رضایت داده است، ولی دروازه خود را به روی دیپلمات‌های طالبان تا این دم باز نگذاشته است؛ کاری که سایر کشورهای منطقه با شور و شوق تمام و به رغم همه واکنش‌ها انجام دادند. این نشان می‌دهد که هند در جهت برقراری رابطه با طالبان، به پیمان‌های سایر کشورهای منطقه دچار توهم نشده است. این کشور، طالبان را متحد دایمی و قابل اعتماد نمی‌داند، بل فقط تلاش می‌کند تا هزینه‌ها برای خود را از ناحیه حضور این گروه در افغانستان کاهش دهد که بازگذاشتن باب تعامل می‌تواند یکی از راه‌ها باشد. هند در تأمین رابطه با طالبان تعجیل به خرج نمی‌دهد. دهلی نو با ازسرگیری رابطه با طالبان، می‌خواهد این نکته را بفهمد که رویکرد طالبان نسبت به هند به چه پیمان‌ه متاثر از رویکرد پاکستان نسبت به این کشور است. اگر هند تشخیص دهد که رویکرد طالبان نسبت به این کشور مستقلانه است، آنگاه برای تحکیم رابطه با این گروه تلاش خواهد ورزید، ورنه به راه رفتن خاموشانه خود ادامه خواهد داد. البته به نظر نمی‌رسد که طالبان رویکردی را نسبت به هند اتخاذ کنند که آمیخته با رویکردی که پاکستان نسبت به این کشور دارد، نباشد.

۴- هند می‌خواهد تا آن‌جایی که میسر است، از طالبان در جهت اخلاص وضعیت در پاکستان استفاده کند. پشتون بودن اکثریت مقام‌های طالبان، ممکن است این زمینه را برای هند مساعد سازد. مزید بر این، ناراضی‌ت پشتون‌ها و همین‌طور جدایی‌طلبی بلوچ‌ها در پاکستان، می‌تواند زمینه برای هند باشد. به زعم مقام‌های هندی، حرکت‌های اعتراضی پشتون‌ها در پاکستان که جنبشی موسوم به «تحفظ پشتون» آن را پی‌گیری می‌کند، برای پشتون‌های افغانستان

جذابیت دارد و تداوم این حرکت‌ها می‌تواند طالبان را به سمت حمایت از آن ترغیب کند. جنبش «تحفظ پشتون» مداخله پاکستان در امور داخلی افغانستان را ناروا می‌داند و به یکی بودن پشتون‌های دو سوی مرز می‌اندیشد؛ داعیه‌ای که در افغانستان خریدار داشته‌دارد و حکومت‌های پیشین هم به نحوی با این جنبش هم‌نوا بودند. هند تلاش می‌ورزد از این داعیه به سود خود و به زیان پاکستان بهره‌برداری سیاسی کند. دهلی نو شاید گمان کند که داعیه دیورند برای طالبان جذابیت دارد و این گروه از پی‌گیری آن فرو گذاشت نخواهد کرد.

۵- رفتار هند با طالبان می‌تواند متاثر از رفتار امریکا باشد. هند در منطقه تنها کشوری است که از ناحیه خروج امریکا ناخرسند است؛ چون حضور امریکا در افغانستان برای این کشور فرصت بزرگ و تاریخی آفریده بود. از این رو، منظره افغانستان عاری از حضور امریکا برای هند تماشایی نیست. به نظر می‌رسد یکی از عواملی که هند را واداشته است تا در مواجهه با طالبان با احتیاط قدم به جلو بردارد، ناراضی‌ت امریکا از طالبان است؛ یعنی امریکا فکر نکند که متحد منطقه‌ای آن (هند) به گروه طالبان اقتدا کرده است و برای به رسمیت‌شناسی این گروه [خلاف میل امریکا] تقلا می‌ورزد. هند در منطقه متحد استراتژیک و قابل اعتمادی برای امریکا است.

امریکا حتا بیشتر از پاکستان روی هند حساب می‌کند؛ چون پاکستان در باریکه‌گزینش میان امریکا و چین گیر مانده است، ولی هند نه.

۶- هند و طالبان هر دو نمی‌خواهند اشتباه گذشته خود را تکرار کنند. هند فکر می‌کند حمایت از جبهه ضد طالبان در گذشته اشتباه بود و از این رو، نمی‌خواهد یا نمی‌تواند این بار در کنار این جبهه قرار گیرد. همچنان طالبان فکر می‌کنند که در گذشته اشتباه‌شان این بوده است که گام‌های لازم را برای کسب رضایت دنیا مبنی بر مشروعیت‌دهی به حکومت خود برنداشته‌اند؛ این در حالی است که بار دوم هم برای دست‌یافتن به این مامول ناکام مانده‌اند. پس با این حساب، طالبان خلاف گذشته، این بار می‌کوشند قدری توازن میان هند و پاکستان را نگه دارند، نه این که یکی را فدای دیگری کنند. همچنان، هند در ۲۰ سال گذشته در افغانستان فراوان سرمایه‌گذاری کرده است و انتظار دارد در تناسب با این سرمایه‌گذاری در چرخه سیاست این کشور نقش داشته باشد. دهلی نو، دوری‌گزینی از افغانستان تحت سلطه طالبان را به زیان خود می‌پندارد؛ از این رو، با بازگذاشتن باب تعامل با این گروه، می‌خواهد اگر بر داشته‌های قبلی خود در افغانستان نیفزاید، حداقل آن را نابود هم نکند. در شرایطی که همه کشورهای منطقه تعامل با طالبان را پیشه کرده‌اند، دهلی نو فکر می‌کند که پرهیز از تعامل با این گروه (نه لزوماً تقابل) آن هم به تنهایی، به مصلحت نیست. اما به نظر نمی‌رسد که طالبان بتوانند رابطه خود با هند را مدیریت کنند. تمایلات تروریستی و تکفیری موجود میان طالبان، تعامل آن گروه را با کشورهای دیگر چون هند که در مدارس و آموزشگاه‌های دو سوی خط دیورند دایم علیه آن‌ها تبلیغ می‌شود، آسان نیست.

در پی کناره‌گیری علی شمخانی، دبیر پیشین شورای عالی امنیت ملی ایران، ابراهیم ریسی، رییس جمهور این کشور، علی اکبر احمدیان را به این سمت منصوب کرده است. ایسنا گزارش داده که رییس جمهور ایران روز دوشنبه، ۲۲ می، در فرمانی ضمن ستایش از فعالیت آقای شمخانی، علی اکبر احمدیان را به‌عنوان دبیر شورای عالی امنیت ملی این کشور گماشته است. علی اکبر احمدیان، دانش‌آموخته مدیریت راهبردی در دانشگاه دفاع ملی ایران است و پیش از رسیدن به کرسی دبیر شورای عالی امنیت ملی این کشور، از اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام بود. گفته می‌شود که احمدیان، فرماندهی نیروهای دریایی سپاه پاسداران و ریاست ستاد مشترک سپاه را نیز در کارنامه دارد.

ادعای حمله پهپادی اوکراین بر ساختمان‌های سرویس امنیتی روسیه



فرامرز را آغاز و ادعا کردند که برای اولین بار در جنگ یک روستای مرزی را تصرف کرده‌اند. هنوز مشخص نیست که چند نفر در این درگیری کشته و یا زخمی شده‌اند. نوار ویدیویی این حمله که ظاهراً از یک ایست‌بازرسی مرزی در گروورون است، تلفات را نشان می‌دهد. روسیه و مقامات اوکراینی درگیری در مرز را نیز تایید کرده‌اند.

مقام‌های روسیه مدعی شده‌اند که «خرابکاران نظامی اوکراین» روز دوشنبه، ۲۲ می، با حمله به یک شهر کوچک مرزی روسیه، هشت تن را زخمی کردند، مقامات اوکراین اما، دست داشتن و یا ارتباط با مهاجمان را تکذیب کردند. مشخص نیست که آیا این حمله بخشی از یک استراتژی نظامی پایدار است یا به عنوان یک حمله انحرافی انجام می‌شود؛ زیرا انتظار می‌رود اوکراین در حال آماده‌شدن برای شروع یک ضد حمله تابستانی برای بازپس‌گیری سرزمین‌های «اشغال شده» توسط روسیه است.

در بیانیه‌ای که توسط لژیون آزادی روسیه در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد، آمده است: «ما همان روس‌ها هستیم. ما تنها با این واقعیت متمایز هستیم که دیگر نمی‌خواستیم اقدامات جنایت‌کاران در قدرت را توجیه کنیم و برای دفاع از آزادی خود و شما سلاح به دست گرفتیم. اما امروز زمان آن است که همه مسوولیت آینده خود را بپذیرند. زمان پایان دادن به حاکمیت فعلی کرملین فرا رسیده است.» درگیری در امتداد مرز روسیه با اوکراین پس از آن آغاز شد که شبه نظامیان گروه لژیون آزادی روسیه، یورش

نیروهای اوکراینی حملات پهپادی را علیه ساختمان‌های سرویس امنیتی روسیه (FSB) و وزارت داخله آن کشور در بلگورود انجام داده‌اند. بر بنیاد گزارش الجزیره، این حملات روز دوشنبه، ۲۲ می، انجام شده است. در این گزارش آمده است که ارتش اوکراین با اقدامات هماهنگ از آن سوی مرز به گروه «لژیون آزادی روسیه» که گروهی ضد پوتین است، کمک می‌کند. همزمان شبه نظامیان گروه لژیون آزادی روسیه ادعا می‌کنند که یک روستای مرزی روسیه را تصرف کرده‌اند.

بورل: اتحادیه اروپا تحریم‌های حقوق بشری بیشتری علیه ایران وضع خواهد کرد

او در مورد جزئیات بسته جدید تحریم‌ها توضیح بیشتری ارائه نکرد، اما تایید کرد که این بسته شامل اسامی نهادها و اشخاص دیگری از جمهوری اسلامی ایران خواهد بود. این در حالی است که پیش از این اتحادیه اروپا در ماه اپریل سال روان میلادی، در ششمین بسته تحریمی خود تدابیر محدودکننده‌ای را علیه هشت فرد و یک نهاد مسوول نقض حقوق بشر در ایران اعمال کرده بود. این نهادها شامل شرکت مخابراتی آری‌ن تل و افرادی مانند نماینده‌گان مجلس ایران، اعضای سپاه پاسداران و اعضای بنیاد تعاون سپاه می‌شدند.

جوزپ بورل، مسوول سیاست خارجی اتحادیه اروپا گفت که بسته جدیدی از تحریم‌های حقوق بشری علیه مقام‌های جمهوری اسلامی ایران وضع خواهد شد. این سخنان را بورل روز دوشنبه، ۲۲ می، در آستانه نشست وزیران امور خارجه کشورهای عضو اتحادیه اروپا در بروکسل بیان کرد. او افزود: «ما بسته جدید تحریم‌ها علیه ایران را به دلیل نقض حقوق بشر تصویب خواهیم کرد. به یاد داشته باشید که سه نفر اعدام شده‌اند و ما این بسته جدید تحریم را تصویب می‌کنیم.»



دهها زن و فرزند جنگ‌جویان داعش به تاجیکستان تحویل داده شدند

وزارت خارجه تاجیکستان از بازگشت ۱۰۴ شهروند این کشور از اردوگاه‌های داعش در سوریه خبر داده است. این وزارت روز یکشنبه، ۲۱ می، با نشر اعلامیه‌ای گفته است که افراد بازگشت داده شده شامل نوجوانان، زنان و کودکان می‌شوند.

وزارت خارجه تاجیکستان افزوده که بنابر درخواست قزاقستان، پنج شهروند قزاق متشکل از یک مادر و چهار کودک که در اردوگاه‌های داعش در سوریه بودند نیز در این پرواز به تاجیکستان تحویل داده شده‌اند.

این افراد بستگان جنگ‌جویانی از تاجیکستان هستند که در سال‌های گذشته با پیوستن به داعش، علیه حکومت سوریه جنگیده بودند. هزاران شهروند خارجی در زمانی که داعش «خلافت» خود خوانده‌اش را در سال ۲۰۱۴ در بخش‌هایی از عراق و سوریه اعلام کرده بود، به این گروه پیوسته و اغلب آنان زنان و فرزندان شان را نیز در ساحات زیر سلطه این گروه با خود برده بودند.

پس از سرنگون شدن داعش در عراق و سوریه در اثر حملات ائتلاف به رهبری ایالات متحده، مقام‌های کرد همواره از کشورهای متبوع جنگ‌جویان خارجی داعش خواسته‌اند تا شهروندان شان را از کمپ‌های مزدحم بیجا شده‌گان در ساحات زیر اداره کرده‌های سوریه تحویل بگیرند.

صدها تن در پاکستان علیه نشست گروه ۲۰ تظاهرات کردند

مورد مناقشه خوانده است. او تصریح کرده است: «هند از موقعیت خود به عنوان رییس گروه ۲۰ سوءاستفاده می‌کند.» دهلی نو میزبان کنفرانس کلیدی در سرینگار پایتخت تابستانی کشمیر از دوشنبه تا چهارشنبه هفته جاری است؛ اقدامی که پاکستان و چین با آن مخالفت کرده‌اند.

این بزرگترین اتفاق بین‌المللی در کشمیر بعد از ابطال «وضعیت ویژه» در این منطقه در سال ۲۰۱۹ میلادی است. در آن سال هند اختیارات ویژه اعطا شده به ایالت «جامو و کشمیر» بر اساس ماده ۳۷۰ قانون اساسی این کشور را لغو کرد.

اعضای گروه بیست شامل ۱۹ کشور ثروت‌مند جهان و اتحادیه اروپاست که ۸۵ درصد کل اقتصاد جهان را شامل می‌شود. هند هم اکنون ریاست دوره‌ای این گروه را در اختیار دارد. با این حال، چین گفته است که به دلیل مخالفت به برگزاری چنین نشستی در این منطقه «مناقشه برانگیز» در این اجلاس شرکت نخواهد کرد. هر دو کشور هند و پاکستان مدعی مالکیت تمام کشمیر هستند، اما هر این کشورها فقط بخش‌هایی از آن را در اختیار دارند.



صدها تن در کشمیر زیر کنترل پاکستان در پیوند به تصمیم هند برای میزبانی نشست گردشگری گروه ۲۰ در منطقه مورد مناقشه «هیمالیا»، تظاهرات کردند. رویترز روز دوشنبه، ۲۲ می، گزارش داده است که این راه‌پیمایی در مظفرآباد و چندین شهر دیگر پاکستان برگزار شده بود. بر بنیاد این گزارش، معترضان خواستار تحریم این نشست از سوی هند شده‌اند. بلاول بوتو زرداری، وزیر خارجه پاکستان نیز نشست گروه ۲۰ را غیرقانونی و تلاش هند برای مشروعیت بخشیدن به کنترل خود بر منطقه‌ای

وینیسوس جونبور:

لیگ اسپانیا اکنون متعلق

به نژادپرستان است

وینیسوس جونبور، هافبک تیم فوتبال ریال مادرید در واکنش به آزار نژادپرستانه او توسط یکی از هواداران در دیدار ریال مادرید در برابر والنسیا، لیگ فوتبال اسپانیا را به نژادپرستی متهم کرده است.

این بازیکن ۲۲ ساله برازیلی پس از بازی یک‌شنبه‌شب، ۲۱ می، در صفحه انستگرامش نوشته است که لیگ اسپانیا به «نژادپرستان» تعلق گرفته است.

جونبور در صفحه انستگرامش نوشته است: «خیلی متأسفم. لیگی که زمانی به رونالدینیو، رونالدو، کریستیانو رونالدو و لیونل مسی تعلق داشت، اکنون متعلق به نژادپرستان است... اما من قوی هستم و تا آخر با نژادپرستان مبارزه خواهم کرد؛ حتی اگر از این جا دور باشند.»

وینیسوس در حالی این سخنان را مطرح می‌کند که شب گذشته یکی از هواداران والنسیا او را «میمون» صدا می‌زد. این بازیکن ۲۲ ساله، پنج سال است که در اسپانیا زنده‌گی می‌کند و او به‌خاطر این که سیاه‌پوست است، تا کنون بارها مورد آزارهای نژادپرستانه قرار گرفته است.

در همین حال، کارلو انجولوتی نیز با انتقاد از توهین نژادپرستانه علیه بازیکنش گفته است که باید بازی متوقف می‌شد.

لیگ فوتبال اسپانیا نیز در واکنش به سخنان جونبور گفته که برای بررسی اتفاق‌های رخ داده، درخواست تصاویری از این بازی را کرده است.

گفتنی است که لیگ فوتبال اسپانیا تا کنون ۹ شکایت رسمی در مورد توهین نژادپرستانه علیه وینیسوس در دو فصل گذشته ثبت کرده که بسیاری از این پرونده‌ها مخفی مانده است. قرار است یکی از هواداران تیم فوتبال مایورکا، به دلیل توهین نژادپرستانه به این برازیلی در جریان یک بازی، محاکمه شود.

تیم ملی فوتبال زیر

۲۰ سال افغانستان در برابر

تاجیکستان مساوی کرد

۸صبح، کابل: تیم ملی فوتبال زیر ۲۰ سال افغانستان در دومین دیدار در رقابت‌های قهرمانی زیر ۲۰ سال مرکز آسیا، در برابر تیم ملی فوتبال زیر ۲۰ سال تاجیکستان، تن به تساوی داد. این دیدار عصر روز دوشنبه، ۱ جوزا، در تاجیکستان برگزار شد و با نتیجه تساوی ۱ بر ۱ پایان یافت.

سومین دیدار تیم افغانستان پس‌فردا (چهارشنبه، ۳ جوزا) ساعت ۴:۳۰ عصر به وقت افغانستان، در برابر تیم ملی فوتبال زیر ۲۰ سال ایران برگزار خواهد شد. در حال حاضر تیم ملی زیر ۲۰ سال از دو بازی صاحب چهار امتیاز است. این در حالی است که تیم ملی فوتبال زیر ۲۰ سال کشور روز گذشته در اولین دیدار در این رقابت‌ها، در برابر تیم ملی فوتبال زیر ۲۰ سال ترکمنستان پیروز شد.

گفتنی است که تیم ملی فوتبال زیر ۲۰ سال به تاریخ ۱۸ ثور سال روان، برای شرکت در رقابت‌های مرکز آسیا به تاجیکستان رفت.

این رقابت‌ها میان تیم‌های افغانستان، تاجیکستان، اوزبیکستان، قرغیزستان، ترکمنستان و ایران برگزار می‌شود و از تاریخ ۱۹ تا ۲۹ می سال روان میلادی، جریان خواهد داشت.